

تاریخ آزمون: ۱۳۹۸/۰۱/۰۸

زمان برگزاری: ۷۵۰۰ دقیقه

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: عربی یازدهم متوسط

به مشهور

محمد گنجی

۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«لصديقنا مكانة علمية رفيعة؛ لأنه دؤوب في أعماله و يسهر الليالي للوصول إلى أهدافه.»:

- ۱ دوست ما جایگاه علمی عظیمی را کسب نموده است؛ چرا که در کارش کوشا است و در راه رسیدن به هدف هایش شب زنده داری کرده است.
- ۲ دوست ما جایگاه علمی والاّی دارد چرا که در کارهایش با پشتکار است و شب ها برای رسیدن به هدف هایش بیدار می ماند.
- ۳ دوستان ما به مقام علمی والاّی رسیده اند از آن جا که در کارهایشان خستگی ناپذیر هستند و برای رسیدن به هدف خویش شب های بی شماری را نخوابیده اند.
- ۴ دوست من به مرتبه علمی دست یافته است زیرا در انجام کارهایش بسیار با استقامت است و شب ها را تا صبح بیداری کشیده است.

۲ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: «مردی در جنگل به دنبال حیوانات کمیاب می گشت، پس در نقطه ای ایستاد و سلاحش را بر شانه اش نهاد.»

- ۱ كان رجل في الغابة يفتش عن الحيوانات النادرة فتوقف في نقطة و وضع سلاحه على كتفه.
- ۲ كان رجل فتش عن الحيوانات النادرة في غابة فتوقف في نقطة و وضع السلاح على كتفه.
- ۳ رجل في الغابة يفتش عن الحيوان النادر فتوقف في نقطة و يضع السلاح على كتفه.
- ۴ في الغابة كان الرجل يفتش عن حيوانات نادر فوضع سلاحاً على الكتف و توقف في نقطة.

۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«من عرف الدنيا معرفة حقيقية، لا تخدع قلبه ظواهرها الخلابية!»:

- ۱ اگر کسی واقعاً دنیا را بشناسد، ظاهر دلربایش او را فریب نمی دهد!
- ۲ آنکه حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فریبنده ی آن فریبش نمی دهد!
- ۳ آن کسی که دنیا را عمیقاً شناخت، به ظواهر خوش آن دل خوش نمی کند!
- ۴ هر کس که دنیا را بطور واقعی بشناسد، ظواهر دلبرای آن قلبش را نمی فریبند!

۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

- ۱ پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
- ۲ بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی ام دعوت کرد!
- ۳ مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
- ۴ مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة!»:

- ۱ شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمانان در برخی کتابها طرح کرده بودند یافتم!
- ۲ حیرت مرا فرا گرفت هنگامی که در بعضی کتابها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!
- ۳ دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتابها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آنها، آن را طرح کرده بودند!
- ۴ دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمانان برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتابها یافتم!

۶ ☆ «مقدمة كتابم پنج صفحه است و چهار سال پیش آخرین صفحه آن را نوشتم!» . عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ :

- ۱ مقدمه کتابی خمس صفحات و کتبت آخر صفحه منها قبل أربع سنوات!
- ۲ لکتابی خمس صفحات من المقدمة و کتبت آخر صفحه منه قبل رابع سنوات!
- ۳ الصفحات الخامسة لمقدمة كتابي و قبل أربع سنوات قد کتبت الصفحة الأخيرة منه!
- ۴ هناك خامسة صفحات لمقدمة كتابي و قبل رابع سنين کتبت الصفحة الأخيرة منها!

۷ ☆ عَيْنِ الصِّفَةِ جَمَلَةً :

- ۱ من آمن و أنفق من أمواله الطيبة في سبيل الحق نجا!
- ۲ إن اللحم غذاء مفيد تُكْتَنَزُ فيه مقادير كثيرة من البروتين!
- ۳ لا تُشغَلْ نفسك بأمور غير مهمة فتفعل عمّا ينفكك و يُهمك!
- ۴ على المرء أن يتواضع لمن علمه و يحاول أن يصبح أفضل منه!

۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ :

« كان المشركون يظنون إِيَّهم يستطيعون أن يقتلوا النبي، لكنَّ امرأة مسلمة دافعت عنه دفاعاً رائعاً! » : مشركان .....

- ۱) که فکر می کردند پیامبر را می کشند دیدند زن مسلمانی حقیقتاً فداکارانه از او دفاع می کند!
- ۲) فقط گمان می کردند می توانند پیامبر را بکشند، ولی زنی مسلمان دفاعی فداکارانه از او کرد!
- ۳) که قصد داشتند پیامبر را به قتل برسانند، با زنی مسلمان که از او دفاعی حقیقی کرد مواجه شدند!
- ۴) تصوّر می کردند که می توانند پیامبر را به قتل برسانند، ولی یک زن مسلمان از او دفاع زیبا و جانانه ای کرد!

۹ ☆ عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ صِفَةٌ:

- ۱) كان الفارابي عالماً يطالع في ضوء قنديل الحراس!
- ۲) حملتُ أباي المريض على ظهري إلى المستشفى!
- ۳) نزل الزاكبون من سياراتهم السريعة لاستقبال المقاتلين!
- ۴) عرفت الخنساء من عيون ناقل الخبر أنّ أولادها قد أستشهدوا!

۱۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

قد حاول المسلمون كثيراً في الدفاع عن المظلومين في عالمنا الذي مُلئ بالظلم!

- ۱) مسلمانان فراوانی برای دفاع کردن از ستمدیدگان در دنیای مملو از ستم ما، تلاش نموده اند!
- ۲) مسلمانان در دفاع از مظلومین در دنیای ما که مملو از ظلم شده است، بسیار تلاش کرده اند!
- ۳) برای دفاع از مظلومان این جهان که غرق در ظلم است، مسلمانان تلاش بسیاری را نموده اند!
- ۴) مسلمانان بسیاری در جهان پر از ظلم و ستم برای دفاع از مظلومان، سعی و تلاش زیادی کرده اند!

۱۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

إذا انكسرت ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة الموجودة في الجو، تحدث ظاهرة باسم قوس قزح.

- ۱) هنگامی که نور خورشید در قطرات کوچک آب موجود در هوا بشکند، پدیده ای به نام رنگین کمان اتفاق می افتد.
- ۲) وقتی شعاع خورشید در قطرات کوچک آب های موجود در جو شکست، شکل آشکار قوس قزح ظهور می یابد.
- ۳) هرگاه اشعه ی خورشید در قطرات کوچک آب های موجود در فضا شکسته شد، جلوه ی ظاهری رنگین کمان پدیدار می شود.
- ۴) زمانی که نور خورشید در قطره های آب کوچک موجود در جو شکسته شود، قوس قزح به وجود می آید.

۱۲ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

كانت شمس الصحراء مُحْرِقَةً جَدًّا وَالنَّاسَ يُوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ فِيهَا بِصُعُوبَةٍ!

- ۱) خورشید صحرا جدّاً می سوزاند و باعث می شود مردم راهشان را با سختی بیمایند!
- ۲) در صحرا خورشید جدّاً داغ می کند و مردم راهشان را با سختی زیاد طی می کنند!
- ۳) در صحرا آفتاب واقعاً سوزان بود و مردم راه خود را در آن سخت می بیمایند!
- ۴) آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می دادند!

۱۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِيبِ :

« او در مقابل ناملايمات سخت تر از صخره است، لذا در زندگی خود پیشرفت می کند! »:

- ۱) إنها أصلبُ من الصخرة أمام المصائب، لهذا تتقدّم في حياتها!
- ۲) هو مقابل الشدائد أصلبُ من الصخرة، لهذا قد تقدّم في الحياة!
- ۳) إنه أكثر استحكاماً من الصخرة مقابل البلايا، فتقدّم في حياته!
- ۴) هي أشدُّ من الصخرة في مواجهة المشكلات، فتذهب إلى الأمام في الحياة!

۱۴ ☆ لِلتَّرْجِيبِ:

« استقامت را از قطرات آب پیاموز و بنگر که چگونه در صخره ی سخت سوراخی ایجاد می کنند! »:

- ۱) من قطرة الماء تعلّمی الاستقامة التي كيف أحدثت في صخرة صعبة الثقب!
- ۲) أعلم الاستقامة من قطرات الماء و شاهد كيف أحدثت في صخرة صعبة ثقباً!
- ۳) تعلّمت من قطرات الماء الاستقامة التي تشاهد كيف تحدث الثقب في الصخرة الصعبة!
- ۴) تعلّمی الاستقامة من قطرات الماء و أنظري أنّها كيف تحدث ثقباً في الصخرة الصعبة!

۱۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

على الشَّبَابِ احْتِرَامُ الْوَالِدَيْنِ، خَاصَّةً فِي أَيَّامِ الشَّيْبِ!

۱ بر جوانان ماست احترام والدين، مخصوصاً در زمان پیری آنها!

۳ بخصوص در زمان جوانی، احترام به پدر و مادر واجب گشته است!

۲ جوانان باید به والدين، مخصوصاً در زمان پیری، احترام بگذارند!

۴ بخصوص در جوانی، احترام به والدين، هنگام سالخوردگی آنها، لازم است!

۱۶ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

جِئْتُ إِلَى مَعْلَمِي شَاكِرًا، لِأَتَكَلَّمَ مَعَهُ حَوْلَ مَشَاكِلِي الدَّرْسِيَّةِ :

۱ با سياس نزد معلم آمدم تا با او درباره ی مشکلات درسی ام سخن بگویم.

۳ برای حل مشکلات درسی خودم نزد معلم رفتم تا از او سیاستگری کنم.

۲ سياسگزارانه نزد معلم خود رفتم تا درباره ی مشکلات درسی صحبت کنم.

۴ برای سياسگزارى نزد معلم آمدم تا با او در مورد سختیهای درسم حرف بزنم.

۱۷ ☆ عَيْنِ الْخَطَا:

۱ يَجِبُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ مَنَعَ الْآخَرِينَ مِنَ التَّكَاثُلِ! : زن مسلمان باید دیگران را از تنبلی منع کند!

۲ لَمْ يَشَاهِدْ فِي الْحَرْبِ أَشْجَعُ مِنْ جِيُوشِ الْإِسْلَامِ : در جنگ شجاعتر از سپاهان اسلام دیده نشده است.

۳ أَنْتَ تَصَلُّ إِلَى أَهْدَافِكَ إِنْ كُنْتَ دُوَّابًا فِي أَعْمَالِكَ! : تو به هدفت خواهی رسید اگر در کار خویش با پشتکار می بودی!

۴ هَبِطَ الْإِنْسَانُ عَلَى سَطْحِ الْقَمَرِ وَ اكْتَشَفَ بِأَنَّهُ كَوْكَبٌ هَامِدٌ : انسان بر سطح ماه فرود آمد و کشف کرد که آن، ستاره ی خاموش و سردی است.

۱۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«كودكان در فلسطين از هر طرف بر غاصبان سنگ پرتاب می کنند!» :

۱ يَرْمِي الْأَطْفَالَ الْفِلَسْطِينِيِّينَ الْحِجْرَ مِنْ كُلِّ أَطْرَافِ عَلَى الْغَاصِبِينَ!

۳ الأولاد في أرض فلسطين يصبّ الأحجار من كل جانب على الغاصبين!

۲ الحجارة تُصَبُّ مِنَ الْأَطْفَالِ عَلَى الْأَعْدَاءِ فِي فِلَسْطِينَ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ!

۴ إنَّ الْأَطْفَالَ فِي فِلَسْطِينَ يرمون الحجر على الغاصبين من كل صوب!

۱۹ ☆ عَيْنِ الصِّفَةِ جَمَلَةً :

۱ ظهرت أشعة الشمس المضيئة في السماء

۳ قرأت الكتب أتى أخذنها من المكتبة

۲ وقف الغزال في نقطة و هو يرقب الصياد

۴ شاهدت في الغابة طيِّبًا يعشق الجمال.

۲۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ لِلتَّرْجَمَةِ:

يجب أن لانسبح لتقافة الأجانب أن تدخل في شؤوننا الاجتماعية و السياسية

۱ ما به اجانب اجازه ی دخول در کارهای اجتماعی خود را نخواهیم داد!

۲ باید به فرهنگ بیگانگان اجازه ندهیم تا وارد امور اجتماعی و سیاسی ما بشود!

۳ بر ما واجب است که به تمدن اجنبی اجازه داخل شدن در شؤونات اجتماعی و سیاسی را ندهیم!

۴ ما نباید به فرهنگ بیگانه اجازه بدهیم که در امور اجتماع و سیاست ما دخالت کند!

۲۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

قل لا أتبع شيئاً إلا ما أوحى اللهُ إِلَيَّ! : بگو .....

۱ پیروی نمی کنم مگر آنچه را خداوند به من وحی می کند!

۳ از چیزی تبعیت نکرده ام مگر آنچه خداوند وحی نموده است!

۲ پیروی نکرده ام مگر چیزی را که خداوند به من وحی نموده است!

۴ از چیزی جز آنچه خداوند به من وحی کرده است تبعیت نمی کنم!

۲۲ ☆ عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَهَا مَعْنَى الْمَضَارِعِ:

۱ تزئین الطالب بالأخلاق الحسنة.

۳ إنَّ قَرَأْتَ الدَّرْسَ بِدَقَّةٍ انْتَفَعْتَ بِهَا!

۲ كانت شيميل تُلقي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۴ لم تتجح من ألم تنظر في عواقب عملها.

۲۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ :

المؤلفات الاسلامية في هذه السنة سيزيد عددها أكثر من مائتين، تحوى آراءً بديعة في مختلف العلوم و الفنون :

۱ امسال تعداد تألیفات اسلامی به بیش از دویست تا افزایش پیدا خواهد کرد، که شامل نظراتی ابتکاری در علوم و هنرهای مختلف خواهد بود.

۲ امسال زنان مؤلف اسلامی افزون بر دویست تألیف دارند که دارای نظرات بدیعی در علوم و فنون مختلف است.

۳ در این سال تألیفات اسلامی بالغ بر یکصد تألیف است و محتوی آراء بدیعی در دانش ها و هنرهای گوناگون است.

۴ در این سال تألیفات اسلامی، بیش از یکصد عدد خواهد شد، که دربرگیرنده دیدگاه های ابتکاری و بدیعی در دانش ها و هنرهای گوناگون خواهد بود.

۲۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّعْرِيبِ:

«دوست واقعی تو کسی است که هنگام سختی ها در کنار تو می ایستد!»

- ۱) صديقك هو الذي كان يقف إلى جانبك عند الشدائد!  
 ۲) صديقك الحقيقي هو الذي يقف إلى جانبك عند الشدائد!  
 ۳) صديقك الحقيقي من كان قد وقف إلى جانبك في المصائب!  
 ۴) من أوقفَ إلى جنبك عند المشكلات هو صديقك حقيقةً!

۲۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ لِلتَّعْرِيبِ:

«هنگامی که خبر پیروزی مسلمانان منتشر شد مردم به رزمندگان تبریک گفتند.»

- ۱) لما انتشر خبر انتصار المسلمين، هنأَ الناس المقاتلين.  
 ۲) إذا ينتشر نبأ نصر المسلمون، الناس هنأوا المجاهدين.  
 ۳) عندما نشر خبر انتصار المسلمين، يهنئوا الناس المقاتلين.  
 ۴) حينما خبر نجاح المسلمين انتشر، الناس يهنئون المجاهدين.

۲۶ ☆ «موفقیت آماده از آسمان فرود نمی آید بلکه رسیدن به آن مستلزم تحمل سختی ها است!»:

- ۱) التوفيق لا يأتي من السماء مجهزاً، بل الحصول عليه يستلزم تحمل المصائب!  
 ۲) النجاح لا يأتي من السماء مستعداً، بل الوصول اليه مستلزم تحمل المصائب!  
 ۳) التوفيق جاهزاً لا ينزل من السماء، بل الاتصال اليه مستلزم أن تتحمل الشدائد!  
 ۴) أن النجاح لا ينزل من السماء جاهزاً، بل الوصول اليه يستلزم تحمل الشدائد!

۲۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«يا طالب العلم ينبغي لك أن تتحلَّقَ بالحلم والوقار!»:

- ۱) ای جویندهی علم برای تو شایسته است که به بردباری و متانت آراسته شوی!  
 ۲) ای دانشجو شایسته و سزاوار است که تو خود را به شکیبایی و متانت بیارانی!  
 ۳) ای دانش آموز شایستگی تو در این بود که مزین به تحمل و وقار بشوی!  
 ۴) جویای دانش بر تو لازم است در خود صبر و متانت را ایجاد کنی!

۲۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لیس اکتساب العلم فی الإسلام إلا فريضة، فيجب على المسلمين أن يأخذوه من كل مكان!»:

- ۱) کسب علم در اسلام فقط یک فريضة است، لذا مسلمانان باید آن را از هر مکانی بگیرند!  
 ۲) یادگیری در اسلام تنها یک واجب است، لذا بر مسلمانان است آموختن آن در همه ی اماکن!  
 ۳) دانش تنها در دین اسلام یک فريضة است، که بر مسلمانان است بر گرفتن آن از همه ی اماکن!  
 ۴) گرفتن علم و دانش فقط در اسلام فريضة است، و بر مسلمین است که این واجب را از همه جا بگیرند!

۲۹ ☆ كل نفس بما كسبت رهينة. عَيْنِ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ الْآيَةِ:

- ۱) أيتها النفس! لا نجاة إلا بما كسبت من الثواب فإنه خير زاد!  
 ۲) جمال النفس في اكتساب الثواب و ما يُسأل عنه!  
 ۳) من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعليها!  
 ۴) عمل الإنسان رفيقه فاختر له ما يُحسنة!

۳۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«در گذشته ادبای ما افتخار می کردند که از زبان قرآن برای نوشتن آثار خود استفاده می کنند!»

- ۱) فی القديم أدباؤنا كان يفتخرون بأنهم من اللّغة القرآنية يستفيدون لكتابة آثارهم!  
 ۲) كان أدباؤنا في الماضي يفتخرون بأنهم يستفيدون من لغة القرآن لكتابة آثارهم!  
 ۳) أدبائنا كانت يفتخرون بالاستفادة من اللّغة القرآن لكتابة آثارهم في الماضي!  
 ۴) أهل أدبنا كان يفتخر بأنهم سيستفيدون من لغة قرآن لكتابة آثارهم في القديم!

۳۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ:

«برترین نعمتها سلامتی بدنها است و برتر از آن تقوای دلها!»

- ۱) أفضل نعمة صحتة الجسم و الأفضل تقوى القلوب!  
 ۲) أفضل النعم صحة الأبدان و أفضل منها تقوى القلوب!  
 ۳) إن السلامة البدنية هي التّمة الحسنى و تقوى القلوب أكبرها!  
 ۴) كان أفضل النعمات سلامة الأجسام و أفضل منه تقوى القلوب!

۳۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

منذ عرفت مفاهيم القرآن القيمة، أستمتع إليه بكل دقة عندما يقرأ!

- ۱) از وقتی مفاهیم ارزشمند قرآن را شناختم، هنگامی که خوانده می شود با تمام دقت بدان گوش می کنم!  
 ۲) از وقتی ارزش زیاد مفهوم های قرآنی را شناختم، هنگامی که تلاوت می شود، در فهم آن دقت زیاد می نمایم!  
 ۳) آنگاه که ارزش مفاهیم قرآن برام روشن شد، وقت تلاوت آن با دقت بسیار زیاد بدان گوش می دهم!  
 ۴) از هنگامی که با مفهوم های ارزشمند قرآنی آشنا شدم، وقتی قرآن می خواند در گوش کردن بدان کاملاً دقت می کنم!

۳۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلترجمة:

حکمتُ فی مبارزة علميَّة بين فريقين مجدينُ حُصِّصَتْ جائزتان للفائزين منهما!

- ۱ در مسابقه‌ی علمی بین دو تیم کوشا که من داوری کردم دو جایزه برای برندگان اختصاص داده بودم.
- ۲ در یک مسابقه‌ی علمی بین دو تیم کوشا که دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص یافته بود، داوری کردم.
- ۳ در یک مسابقه‌ی علمی میان دو گروه پر تلاش که جوایزی برای برندگان اختصاص داده بودند داوری کردم.
- ۴ در مسابقه‌ای علمی بین دو گروه تلاشگر داوری کردم و دو جایزه برای برندگان آنها اختصاص دادم.

۳۴ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ تُرْفَعُ رَايَةُ الشَّيْطَانِ فِي الْفِتَنِ! بِرَجْمِ شَيْطَانٍ رَا دَر هَمِي فَنَنه هَا بَالَا مِي بَرِي!
- ۲ لَوْ كُنْتُ مِنْجُمًا لِرَأْيَتِ كَيْفِ انْقِلَابِ النُّجُومِ! اِگَر سَنَاره سَنَاس مِي بُوَدِم، نَحْوِي تَغْيِيرِ سَنَارِگَان رَا مِي دِيدِم!
- ۳ مَن يَتَّبَعُ نَفْسَهُ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يُصِيبُ نَاجِحًا! اَن كِه خُود رَا بَا كَارِهَای مَتَوَالِي بِه سَخْتِي اِنْدَاخْت مَوْفِق مِي شُود.
- ۴ مَنِ الْعُلَمَاءِ مَن يَبْدِلُ ظُلْمًا الْجَهْلِ بِنُورِ الْعِلْمِ! عَدِه اِي از دَانَشْمَنْدَان تَارِيكِي جَهْل رَا بِه نُورِ عِلْمِ تَبْدِيل مِي كَنْد.

۳۵ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ الْإِيمَانُ هُوَ مَا يَكُونُ ثَابِتًا فِي الْقُلُوبِ! اِيْمَانُ اسْتِ كِه دَر دِل هَای مَا ثَابِت مِي مَانَد.
- ۲ كَيْفَ غَفَلْنَا عَنِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَغْفُلُنَا! چِگونِه اسْتِ كِه از خُدَایِي كِه مَا او رَا فَرَامُوش نَمِي كَنِيْم، غَافَلِيْم.
- ۳ إِنَّ حُكْمَ اللَّهِ فِي مَخْلُوقَاتِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَوَاحِدٌ! فَفَقَط فَرْمَانِ خُدَا بِرِ مَخْلُوقَاتِ زَمِيْنِي وَ اَسْمَانِي يَكِي اسْت!
- ۴ أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَفَّرَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ بِتَكْبُرِهِ! اَيَا نَمِي بِيْنِيْد چِگونِه خُدَاوَنْد شَيْطَان رَا بِخَاطِرِ تَكْبُرِش كُوجِكِ سَاخْت!

۳۶ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱ أَلَيْسَ الْعِلْمُ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنَ الثَّرْوَةِ! اَيَا نَزْد تُو عِلْمِ مَحْبُوبِ تَرِ از ثَرُوتِ نِيَسْت!
- ۲ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُ فِي كُلِّ زَمَنٍ! خُدَاوَنْد بِرِ اَنچِه دَر هَر زَمَانِ اِنجَام مِي دِهِيْم، اَكَاَه تَرِ اسْت!
- ۳ هَذَا الْبِلْدَانُ أَكْبَرُ بِلْدَيْنِ شَاهِدْتَهُمَا! اَيْنِ دُو شَهْرِ از شَهْرِهَای بَزَرْگِي هِسْتَنْد كِه اَن هَا رَا سَنَاخْتَهَام!
- ۴ إِنَّ أَحْسَنَ التَّلَامِيذِ مَن يَسَاعِدُونَ الْآخِرِينَ! هِمَانَا بَهْتَرِيْنِ دَانَش اَمُوزَانِ كَسَانِي هِسْتَنْد كِه دِيْگَرَان رَا كَمَك مِي كَنْد.

۳۷ ☆ عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ الْآيَةِ: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

- ۱ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا
- ۲ الْخَيْرُ فِي مَا وَقَع
- ۳ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُوَ عَنْهُمْ
- ۴ بِقَدْرِ الْكَدِّ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي

۳۸ ☆ عَيْنِ لَيْسَتْ فِيهِ صِفَةٌ:

- ۱ شَاهِدْنَا سَيَّارَةً تَذْهَبُ فِي الطَّرِيقِ.
- ۲ كَانَتْ السَّيَّارَةُ تَذْهَبُ بِسُرْعَةٍ لَا تَوْصَفُ.
- ۳ وَالطَّرِيقُ كَانَ طَرِيقًا يَخْلُو مِنَ السَّيَّارَاتِ.
- ۴ وَ نَحْنُ كُنَّا نَدْعُو اللَّهَ أَنْ تَصِلَ سَالِمَةً.

۳۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة:

منحت المعلمة تلميذاتها التثبيطات سبع جوائز أخرى:

- ۱ آموزگار به شاگردان موفق هشت جایزه‌ی دیگر داد
- ۲ معلم به شاگردان با نشاط شش جایزه اهدا کرد
- ۳ معلم به دانش آموزان کوشای خود هفت جایزه‌ی دیگر اعطا کرد
- ۴ هفت جایزه‌ی دیگر به معلم دانش آموزان فعال داده شد.

۴۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة:

كنت حزينة لأنني ما شاهدت تقدماً في دراستي!

- ۱ من ناراحت شدم چون پیشروی در درس‌هایم ندیدم.
- ۲ ناراحت بودم زیرا پیشرفتی در تحصیل خود مشاهده نکردم.
- ۳ از درس خواندنم ناراحت شدم چون پیشرفتی در آن ملاحظه نمی‌کردم.
- ۴ تو ناراحت شدی زیرا در تحصیل من پیشرفتی مشاهده نکرده بودی.

۴۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«اسلام، زمينه‌ی رشد و فعاليت سالم را برای همه فراهم آورده است!»

- ۱ يوقر الإسلام لكلّ مجال الحركة و الاجتهاد الصحيحين!
- ۲ الإسلام وقرت ساحة النمو و الفعالية السالمين للجميع!
- ۳ كان الإسلام قد وقر لكلّ ساحة الجهد و النمو الصحيحين!
- ۴ قد وقر الإسلام مجال الرشد و النشاط السالمين للجميع!

۴۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«ای فرزندان من، شما باید در کارهایتان بسیار تلاش کنید!»

- ۱) ابناءئی! حاولوا في أموركم محاولة كثيراً!  
 ۲) يا أولاد! اسعوا في أعمالكم الكثيرة سعياً!  
 ۳) يا أولادى! عليكم أن تجتهدوا في أعمالكم اجتهاداً بالغا!  
 ۴) يا أبنائي! يجب عليك أن الاجتهاد في الأمور الكثيرة!

۴۳ ☆ عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ صِفَةٌ:

- ۱) العلماء هم الذين لا يستسلمون أمام حوادث الدهر أبداً!  
 ۲) طبيعة بلادنا الجميلة من التماذج النادرة في العالم!  
 ۳) بعض الأحيان نرى بعيوننا صورة لم نلتفت إليها من قبل!  
 ۴) هذه مسألة لم يستطع الآخرون أن يكتشفوها حتى الآن!

۴۴ ☆ «اميدواريم كه خداوند ما را در خدمت به مردم موفق گرداند!» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) نرجو أن الله يوفقنا لخدمة الناس!  
 ۲) نسأل الله التوفيق لنا في خدمة الناس!  
 ۳) نحن نريد من الله أن نُوفَّقَ في خدمة الانسان!  
 ۴) نطلب من الله التوفيق في سبيل خدمة البشرية!

۴۵ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) در راه خدا جهاد کن تا پیروز شوی! جاهد في سبيل الله تنتصر!  
 ۲) پیامبر (ص) مسلمانان را به صدقه دادن تشویق می کرد! كان النبي (ص) يشجع المسلمين على الصدقة!  
 ۳) خداوند کسانی را که به دیگران کمک می کنند دوست دارد! إنَّ الله يُحِبُّ اللّاهِي يُسَاعِدُنِ الْآخِرِينَ!  
 ۴) مخالفت کردن قبل از درک موضوع نشانه ی جهل است! المعارضة قبل فهم الموضوع علامة الجهل!

۴۶ ☆ عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْوَصْفِيَّةِ

- ۱) رأيت طفلاً و هو ينظر إلى هذه الصخرة العظيمة بدهشة.  
 ۲) رأيت التلميذة المسرورة و قد نجحت في المسابقات فرحة.  
 ۳) هؤلاء الطالبات المجتهدات شاركن في الحفلة.  
 ۴) كانت المديرية تبحث عن فرد في المدرسة يجتهد في أعمال الخير.

۴۷ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) احذر أن تضع حقَّ اليتيم! از باعمال کردن حق یتیم حذر کن!  
 ۲) أنفقوا من مالكم و لو كان قليلاً ما لئان را اگر چه کم باشد انفاق کنید!  
 ۳) إنَّ قلب المؤمن في الجنان و جسمه في الدنيا! قلب مؤمن در بهشت خواهد بود و بی شک بدن او در دنیا!  
 ۴) إن لم يتنجح من الشيطان، فاجتنب منه! اگر انسان نتواند از شیطان نجات یابد، از او دور شو!

۴۸ ☆ «دوستان ما در کلاسمان همگی به دو زبان حرف می زنند!»

- ۱) أصدقاؤنا في صفنا يتكلمون باثنتين لغتين جميعاً!  
 ۲) أصدقاؤنا يتحدثون في صفهم بلغة اثنتين جميعاً!  
 ۳) يتكلمون أصدقاؤنا كلهم في صفنا باللغتين اثنتين!  
 ۴) يتحدث أصدقاؤنا جميعهم في صفنا بلغتين اثنتين!

۴۹ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) أنا مسلمة و أنت مؤمنة.  
 ۲) أنت معلّمة و أنا عالم.  
 ۳) أنت نشيط و أنا مجتهدة.  
 ۴) نحن متعلّمة و هي معلّمة.

۵۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ:

عش مرفوع الرأس و لا تحقر الآخريين و لا تسمح لتتحكم المصالح الشخصية في علاقاتك مع الآخريين!

- ۱) با سربلندی زندگی کن زیرا تو دیگران را حقیر نمی شماری و اجازه نمی دهی منافع شخصی در پیوندهایت با دیگران دوری کن!  
 ۲) با تواضع زندگی کن و دیگران را حقیر مشمار و اجازه مده در علاقه ات با دیگران سودهای شخصی حاکمیت پیدا کند!  
 ۳) در زندگی سربلند باش و دیگران را پست مشمار و اجازه مده روابط خصوصی بر روابط دیگران با تو اثر بگذارد.  
 ۴) سربلند زندگی کن و دیگران را تحقیر مکن و اجازه مده که منافع شخصی بر روابط تو با دیگران حاکم شود.

۵۱ ☆ الخَطَأُ فِي التَّعْرِيبِ هُوَ:

«هر کس برای برادر خود چاهی بکند، در آن می افتد!»

- ۱) من حفرت بئراً لأخيها وقعت فيها!  
 ۲) من حفر بئراً لأخيه وقع فيها!  
 ۳) من يحفر بئراً لأخيه يقع فيها!  
 ۴) من تحفر بئراً لأخيه وقع فيها!



۵۲ ☆ عین المناسب للفراغ: الطلاب ..... یعلمون أن ..... الصعبة تحتاج إلى همة عظيمة.

- ۱ المجتهدون / العمل ۲ المجتهدون / الأعمال ۳ الجادة / عمل ۴ المجدين / عملة

۵۳ ☆ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة:

انزعجت من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى الناس، و لكنه لم يهتم با نزعاجي!

- ۱ از بعضی از کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!  
۲ بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!  
۳ از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی داد!  
۴ برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

۵۴ ☆ عین الأصح و الأدق في التعريب: «ای دانش آموزان، علم را برای دستیابی به مقامات دنیوی مجویید!»

- ۱ آنها التلاميذ، لا تطلبون العلوم لوصول مراتب دنيوية!  
۲ يا تلميذات، لا تريدوا العلم لحصول على المنصب الدنيوي  
۳ آنها الطلاب، لا تطلبوا العلم للوصول إلى المناصب الدنيوية  
۴ يا طالبات، لا تبحثوا عن العلوم للحصول على المقام الدنيوي

۵۵ ☆ «..... طالبتان ناجحتان في الحياة!». عین غير المناسب للفراغ:

- ۱ أنا ۲ نحن ۳ هما ۴ أنما

۵۶ ☆ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة:

«يقين المؤمن كأنه ضوء الشمس الذي يُزيل الظلمات!» :

- ۱ گوئی مؤمن چون نور خورشید است که با یقین خود تاریکی ها را زایل می سازد! ۲ کاش مؤمن را یقینی بود که چون نور خورشید ظلمات را روشن کرد!  
۳ یقین مؤمن چون نور خورشید است که تاریکی ها را از بین می برد! ۴ یقین مؤمن همان نور خورشید است که ظلمات را روشن می کند!

۵۷ ☆ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«لا تكن من الذين يحرق لسانهم قلوب الآخرين و كأن زهراً مهلكاً مخبوء تحته!»: از کسانی مباش که .....

- ۱ گوئی زهر مهلکی که زیر زبان آن ها است دل دیگران را می سوزاند!  
۲ گوئی زهر مهلکی زیر زبانشان است و دل های دیگران را به درد می آورد!  
۳ با زبانشان دل های دیگران را به درد می آورند گوئی که زیر آن زهری کشنده است!  
۴ زبانشان دل های دیگران را می سوزاند گوئی زهری کشنده زیر آن پنهان است!

۵۸ ☆ عین الأصح و الأدق في التعريب: «این مقاله علمی را یکی از دانشمندان یازده ماه قبل در نه صفحه نوشته است!» :

- ۱ كتب أحد العلماء مقالة العلمية في تسع صفحات من قبل أحد عشر شهراً!  
۲ قد كتبت إحدى العالمات هذه المقالة العلمية في تسع صفحات قبل أحد عشر شهراً!  
۳ إن هذه المقالة العلمية كتبت بواسطة واحد من العلماء قبل أحد عشر شهراً على تسع صفحات!  
۴ إن هذه المقالة العلمية كتبت بواسطة واحدة العالمات من قبل أحد عشر شهراً في تسع صفحات!

۵۹ ☆ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة:

«الابتسام على الحياة يقويك على إنجاز الأعمال الصعبة و الأمور العظيمة!»:

- ۱ خندیدن بر زندگی، تو را بر انجام کارهای شاق و سخت و بزرگ قادر می سازد!  
۲ خندیدن برای زنده ماندن، اعمال سخت و کارهای بزرگ را برای تو ساده می کند!  
۳ لبخند زدن برای حیات داشتن، تو را در اعمال سخت و کارهای عظیم یاری می دهد!  
۴ لبخند زدن به زندگی تو را در انجام دادن اعمال سخت و کارهای عظیم توانمند می کند!

۶۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«أثمار فصل الصيف المفيدة هي الزهور المتلوّنة التي كانت قد صنعت لنا منظرًا رائعاً في فصل الربيع!»:

- ۱ میوه‌های مفید فصل تابستان همان شکوفه‌های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره‌ی دل‌انگیزی برای ما ساخته بودند!
- ۲ همان شکوفه‌های رنگین که در فصل بهار منظره‌ی دل‌انگیز ایجاد می‌کنند در فصل تابستان میوه‌های مفید به بار می‌آورند!
- ۳ همان شکوفه‌های رنگارنگی که منظره‌ی فصل بهار را زیبا کرده بودند در فصل تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!
- ۴ میوه‌های مفید در فصل تابستان شکوفه‌های رنگارنگ بهاری هستند که آن منظره‌های جالب را برایمان می‌ساختند!

۶۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«إنَّ الكمالَ والعظمة لا يتحققان بالكلام والدعاء فقط، بل يحتاجان إلى مجاهدة مستمرة وطويلة وعمل جدّي دائماً!»:

- ۱ کمال و بزرگی فقط با حرف و دعا محقق نمی‌شود، بلکه به مبارزه دائمی و طولانی و کاری جدی و مستمر احتیاج دارد!
- ۲ بزرگواری و عظمت با سخن گفتن و دعا کردن تنها، حاصل نخواهند شد، بلکه به تلاش و جدیت دائمی در کارها احتیاج است!
- ۳ کمال گرایی و بزرگواری تنها بوسیله حرف و دعا به دست نمی‌آید، بلکه محتاج مبارزه و تلاش همیشگی و کار واقعی و جدی است!
- ۴ بزرگی و مقامات بلند فقط به وسیله حرف زدن و دعا کردن حاصل نمی‌شوند، بلکه به سعی و تلاش و جدیت دائمی و مستمر نیاز دارند!

۶۲ ☆ «من طمع بالكثير لم يحصل على القليل!». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمفهوم:

- |  |                                   |
|--|-----------------------------------|
| ۱ ز طمع است کوتاه زبان مرد آز            | ۲ چو شد طمع کوتاه زبان شد دراز!   |
| ۳ چو خرسند باشی تن آسان شوی              | ۴ به گرد طمع تا توانی مگر!        |
| ۵ حرص توست اینکه همه چیز تو را نایاب است | ۶ چو آز آوری زان هراسان شوی!      |
|  | ۷ آز کم کن که نرخ همه ارزان گردد! |

۶۳ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: «روزه‌ی ماه رمضان اراده‌ی انسان را برای قبول مسؤولیت در جامعه تقویت می‌کند، زیرا او در این ماه مفهوم صبر و ایثار و

استقامت را درک می‌کند!»

- ۱ یعلّم صوم شهر رمضان الصبر و الإيثار و الثبات للإنسان و يقوّ إرادته لقبول المسؤولية في مجتمعه!
- ۲ صوم شهر رمضان يقوّ إرادة الإنسان لقبول المسؤولية في المجتمع، لأنّه يدرك فيه مفهوم الصبر و الإيثار و الثبات!
- ۳ كان الصّوم في شهر رمضان يقوّ إرادة الإنسان لقبول المسؤولية في المجتمع، و يتعلّم فيه الصبر و التضحية و المقاومة!
- ۴ الصّوم في شهر رمضان يقوّ إرادة الإنسان لقبول مسؤولية في المجتمع، لأنّه يعلم الإنسان في هذا الشهر الصبر و التضحية و الثبات!

۶۴ ☆ عَيْنِ الوصف جملة:

- ۱ مررت في طريقی برجل كبير السنّ و هو قد جلس على الأرض يطلب المساعدة! ۲ إنّ المسلمين حملوا راية العلم في زمن كان فيه العلم متروكاً في بلاد أوروبا!
- ۳ اقرأ الآيات القرآنية ثمّ اعمل بها، لأنّ العمل بالقرآن أساس النجاح! ۴ الرياضة لها فائدة عظيمة و هي تعلّمنا الأخلاق العالية في الحياة!

۶۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة:

وَضَع الْعُلَمَاءُ الْإيرانيون معاجم مهمّة و كتباً عديدة للغة العربيّة

- ۱ دانشمندان ایران معجم‌های مهم و کتاب‌های گوناگون برای زبان عربی نهاده‌اند.
- ۲ دانشمندان ایرانی فرهنگ‌های لغت مهم و کتاب‌های متعددی برای زبان عربی تألیف کرده‌اند.
- ۳ علمای ایران فرهنگ‌های لغت‌های دارای اهمیت و کتاب‌های مختلفی برای زبان عربی قرار داده‌اند.
- ۴ فرهنگ لغات مهم و کتاب‌های عدیده‌ای برای زبان عربی توسط علمای ایرانی تألیف شده است.

۶۶ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأجوبه لِلترجمة:

«الغد المضيّ يتعلّق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجه!»:

- ۱ فردای روشنی بخش، از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
- ۲ فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳ فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروز را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
- ۴ فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!



۶۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

أنا و زميلاتي بحاجة إلى مدرّسه حاذقه تُعَلِّمنا الدّروس من جديد!

۱ من و همشاگردی هایم معلّم برجسته ای درخواست کرده ایم که درس ها را از نو از او تعلیم بگیریم!

۲ من و همکلاسی هایم نیازمند مدرّسی ماهر هستیم که درس ها را از نو به ما آموزش دهد!

۳ من و دوستانم محتاج مدرس حاذق می باشیم تا دروس را دوباره از او بیاموزیم!

۴ من و رفقایم به معلّمی ماهر نیازمندیم تا درسهایمان را مجدّداً به ما یاد بدهد!

۶۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«من قُتِلَ مَظْلُومًا، فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهِ سُلْطَانًا»:

۱ چنانچه کسی را مظلومانه به کشتن دهند، اولیای دم وی را سلطه می دهیم!

۲ هر کس مظلومانه به قتل برسد، برای صاحب خون او قدرتی قرار می دهیم!

۳ آنکه قتل او مظلومانه باشد، صاحب خونش را سلطنت می بخشیم!

۴ کسی که با ظلم کشته شود، ولیّ دم او را قدرتمند ساخته ایم!

۶۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«كَانَتْ أَشْعَهُ الْقَمَرِ الْفَضِيهِ الْمَتَكَوِّنُهُ مِنْ سَبْعَةِ أَلْوَانٍ تَخْلِبُ قُلُوبِنَا، عِنْدَمَا كُنَّا نَمْشِي بِهَدْوٍ عَلَى تَلَالِ الرَّمْلِ!»:

۱ اشعه ماه نقره ای رنگ تشکیل شده از هفت رنگ، دلهای ما را شیفته کرده بود، آن زمان که آرام بر تپه هایی از شن راه می رفتیم!

۲ اشعه نقره ای رنگ ماه با رنگهای هفتگانه اش، دلها را شیفته می کرد، آنگاه که ما به آرامی بر تپه هایی شنی راه می رفتیم!

۳ وقتی با آرامش بر تپه های شن راه می رفتیم، نور نقره ای فام ماه که از هفت رنگ تشکیل شده بود، دلهای ما را می ربود!

۴ هنگامی که آرام بر تپه های شنی قدم می زدیم، نور ماه نقره ای رنگ که هفت رنگ داشت، دلها را می ربود!

۷۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«در عصر کنونی ما ابتکارهایی در زمینه های مختلف اجتماعی پدید آمده است!»

۱ فی عصرنا الحاضر قد ظهرت إبداعات في المجالات الاجتماعيّة المختلفة!

۲ فی عصر حاضرنا قد حصلت الإبداعات في مجالات المختلفة الاجتماعيّة!

۳ فی العصر الحاضر تكوّنت إبداعات في شؤونات الاجتماعيّة المختلفة!

۴ فی عصرنا الحاضر أسست الإبداعات في الشؤون المختلفة للاجتماع!

۷۱ ☆ عَيْنِ الصِّفَةِ جَمَلَةً:

۱ قد احتفظ المسلمون بهذا النشاط العلميّ قرونًا طويلاً!

۲ يمتاز هذا القارئ عن سائر زملائه بصوته الجميل!

۳ كلّ واحد في المجتمع يقوم بعمل ينفع الناس كلّهم!

۴ وصلنا متأخرين فلم نجد مكاناً مناسباً للجلوس!

۷۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«أعرض عن هوى نفسك حتّى لا يصل ضرره إلى قلبك»

۱ از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!

۲ از خواهشهای نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!

۳ از هواي نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!

۴ از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۷۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ

«أشكر الله على هذه الأيام الماطره، قد طاب الهواء و أنا الآن أشاهد ظاهره قوس قزح مع ألوانها الجميله!»

۱ خدا را به خاطر این روزهای بارانی شکر میکنم، هوا پاک شده است و من الآن پدیده قوس قزح را با رنگهای زیبایش مشاهده میکنم!

۲ خدا را به خاطر روزهای پر باران کنونی شکر خواهم کرد که هوا را پاک کرده، و من اکنون شاهد رنگهای زیبای قوس قزح هستم!

۳ خدا را برای این روزهای پر بارانی که هوا پاک شده و اکنون میتوانم پدیده رنگین کمان و رنگ های آن را ببینم، شکر گزارم!

۴ خدا را شاکرم برای این روزها که باران میبارد، هوا پاک شده و من میتوانم رنگینکمان و رنگ های زیبای آن را ببینم!

۷۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«في انتهاء ممرّ مدرستنا نافذه تُفتَح على منظر جميل، أسرع أنا لرؤيتها باشتياق حينما يُدقّ الجرس!»

۱ در آخر راهرویی در مدرسه ما پنجره ای هست که به منظره زیبایی باز شده، هر وقت زنگ می خورد، من با اشتیاق برای دیدن منظره می شتابم!

۲ در انتهای راهروی مدرسه ما پنجره ایست که به منظره زیبایی باز می شود، وقتی زنگ می خورد، من با اشتیاق برای دیدن پنجره می شتابم!

۳ در انتهای این راهرو از مدرسه ای به سمت تابلویی از طبیعت باز می شود که بعد از زنگ، من با اشتیاق به دیدنش می شتابم.

۴ در آخر راهروی مدرسه ما آن پنجره به یک تابلوی زیبای طبیعی باز می شود، موقع زنگ برای دیدنش مشتاقانه می شتابم!

۷۵ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة :

«لطبیعه مواهب كثيرة قد أمرنا الله ان نتنفع منها!»

- ۱ برای طبیعت نعمت‌های زیادی است که به دستور خدا ما از آن استفاده می‌کنیم! ۲ طبیعت موهبت‌های زیادی دارد که خدا به ما دستور داده که از آن استفاده کنیم!  
۳ ما به دستور خداوند ملوک هستیم از موهبت‌های بسیار طبیعت استفاده کنیم! ۴ در طبیعت موهبت‌های بسیاری است که ما به استفاده از آن امر شده‌ایم!

۷۶ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة :

«لما إقتربت الوحوش منی أسرع نحو شجرة و تسلّقتها!»

- ۱ وقتی حیوان وحشی به من نزدیک شد، به سمت درختی شتافتم و از آن بالا رفتم!  
۲ هنوز حیوانات وحشی به من نزدیک نشده بودند که من به سوی درختی شتافتم و از آن بالا رفتم!  
۳ زمانی به سوی آن درخت دویدم و از آن بالا رفتم که حیوانات وحشی به من نزدیک شده بودند!  
۴ هنگامی که حیوانات وحشی به من نزدیک شدند، به طرف درختی شتافتم و از آن بالا رفتم!

۷۷ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ للتعريب:

«این شاعر نمی‌توانست باور کند که اسلام آرامش را به قلب او وارد کرده است!» :

- ۱ لا تستطيع هذه الشاعرة أن تصدق أن الإسلام قد أدخل السكينة على قلبها! ۲ ما كان يستطيع هذا الشاعر أن يصدق أن الإسلام قد أدخل السكينة على قلبه!  
۳ هذه الشاعرة ماكانت تستطيع أن تصدق أن الإسلام قد أنزل سكينة على قلبها! ۴ هذا الشاعر لا يستطيع أن يصدق أن الإسلام قد أدخل السكينة على قلبه!

۷۸ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة :

«هذا ذو حاجة قد طلب المساعدة و لكن هؤلاء الناس لم يساعده!»

- ۱ این: نیازمندی است که کمک خواسته است ولی این مردم به او کمک نکردند!  
۲ این، نیازمندی است که کمک طلبیده است اما مردم او را یاری نمی‌کنند!  
۳ این، نیازمندی است که طلب کمک کرده است در حالی که اینان، مردمانی هستند که کمک نمی‌کنند!  
۴ این نیازمند، محتاج کمک است اما این مردم به او یاری نرسانند!

۷۹ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة:

«لما شاهدتني صد يفتي من بعيد تفسّحت في مكانها لي و أجلسنتني إلى جانبها!»

- ۱ موقعی دوستم برای من نزد خود جا باز کرد و مرا نزد خود نشانده که مرا از دور مشاهده کرده بود!  
۲ هنگامی که دوستم مرا از دور دید، نزد خود برای من جا باز کرد و مرا کنار خود نشانده!  
۳ هنوز دوستم مرا از دور ندیده بود که نزد خود برای من جا باز کرد و مرا کنار خود نشانده!  
۴ زمانی که از دور دوستم مرا مشاهده کرد، جای خویش را به من داد و مرا در جای خود نشانده!

۸۰ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ للتعريب:

«این شاعر ابیات متعددی را در وصف رزمندگان سروده است!»

- ۱ هذا الشاعر أنشد أبيات متعدّدة في وصف المقاتلين! ۲ هذه الشاعرة قد أنشدت أشعاراً كثيرة لتوصيف المجاهدين!  
۳ قد أنشد هذا الشاعر أبياتاً متعدّدة في وصف المقاتلين! ۴ قد أنشد هذه الشاعرة أبياتاً كثيرة لتوصيف المجاهدين!

۸۱ ☆ عین الصحيح فی الترجمة:

«يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر»:

- ۱ خداوند برایتان آسانی را خواست و سختی را نخواست. ۲ خداوند برای شما آسانی را می‌خواهد و برایتان سختی را نمی‌خواهد.  
۳ خدایا برایشان راحتی را بخواه و دشواری را برای آن‌ها نخواه. ۴ خداوند برایتان آسانی را خواست و برای شما دشواری را نمی‌خواهد.

۸۲ ☆ عین الصحيح فی الترجمة: «إن الله لا يفرح القلب الذي لا يبتهج بفرح طفل! » :

- ۱ خداوند دلی را شاد می‌کند که با خوشحالی کودکان شادمان شود! ۲ بی‌شک خدا قلب کسی را که به خوشی کودک، شادمان نشده، شاد نخواهد کرد.  
۳ خدا قلبی که با شادی کودکی شادمان نمی‌شود، خوشحال نمی‌کند! ۴ پروردگاران قطعاً دلی را که با شادی کودک خندان نشده است، شادمان نمی‌کند!

۸۳ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

۱. نَهَيْتُ صَدِيقِي عَنِ اسْتِهْزَاءِ الْآخِرِينَ! : دوستم مرا از مسخره کردن دیگران نهی کرد!
۲. تَفَسَّحْتُ لَصَدِيقِي فِي مَكَانِي وَأَجْلَسْتَهُ إِلَى جَانِبِي! : برای دوستم در مکانم جاباز کردم و او در کنارم نشست!
۳. أَ تَدْرِي لِمَاذَا يَشْجَعُ الْإِسْلَامَ الْعُلَمَاءُ فِي اِكْتِسَابِ الْعُلُومِ؟! : آیا می دانی چرا اسلام دانشمندان را در به دست آوردن علوم تشویق کرده است؟!
۴. بَعْضُ الْأَحْيَانِ تُوصِلُنَا الْكَلِمَاتُ الْوَجِيزَةَ إِلَى حَقِيقَةِ الْأُمُورِ! : بعضی وقت ها کلمات مختصر ما را به حقیقت امور می رسانند!

۸۴ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

«حاضران در میهمانی از راز پیچیده ای حرف زدند!» :

۱. تَحَدَّثَ الْحَاضِرِينَ عَنِ السَّرِّ الْغَامِضِ فِي ضِيَاةٍ!
۲. الْحَاضِرُونَ يَتَحَدَّثُونَ عَنِ سَرِّ غَامِضٍ فِي ضِيَاةٍ!
۳. تَحَدَّثَ الْحَاضِرُونَ عَنِ سَرِّ غَامِضٍ فِي الضِّيَاةِ!
۴. الْحَاضِرِينَ تَحَدَّثُوا فِي ضِيَاةٍ عَنِ السَّرِّ الْغَامِضِ!

۸۵ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«لِلْفَلَّاحِينَ وَجْهٌ أَسْمَرٌ وَ يَدَانِ خَشْنَتَانِ وَ هَذَا بِسَبَبِ أَعْمَالِهِمُ الصَّعْبَةِ!» :

۱. صُورَتُ گندم گون و دو دست زبر کشاورزان به سبب کارهای مشکل آنان است!
۲. دو کشاورز صورتی گندم گون و دستانی زبر دارند و این به سبب کار سخت آنان است!
۳. کشاورزان صورت های گندم گون و دستی زبر داشتند و این بدین دلیل است که کارشان سخت است!
۴. کشاورزان صورتی گندم گون و دستانی زبر دارند و این به دلیل کارهای سختشان است!

۸۶ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: «امروزه حرکت زمین که تا قرن های اخیر برای انسان ناشناخته بود، برکسی پوشیده نیست!»: اليوم ...

۱. حَرَكَةُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَتْ مَجْهُولَةً عَلَى إِنْسَانٍ، لَيْسَتْ الْمَخْفِيَّةَ حَتَّى الْقُرُونِ الْآخِرَةِ عَلَى أَحَدٍ!
۲. دُورَانَ الْأَرْضِ الَّتِي لَيْسَ مَخْفِيًّا عَلَى الْإِنْسَانِ، كَانَ مَخْفِيًّا فِي الْقُرُونِ الْآخِرَةِ!
۳. تَحَرُّكُ الْأَرْضِ لَيْسَتْ مَخْفِيَّةً عَلَى أَحَدٍ، كَانَتْ مَجْهُولَةً عَلَى الْإِنْسَانِ حَتَّى الْقَرْنِ الْآخِرِ!
۴. حَرَكَةُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَتْ مَجْهُولَةً عَلَى الْإِنْسَانِ حَتَّى الْقُرُونِ الْآخِرَةِ، لَيْسَتْ مَخْفِيَّةً عَلَى أَحَدٍ!

۸۷ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

۱. غَرِبَ غَيْرُ از غارت ثروت های شما و اسارتتان را نمی خواهد! : لا یزید الغرب غیر نهب ثروتکم و اسرکم!
۲. این زن نیرومندی است، از تنبلی دوری می کند و در زندگی اش نا امید نمی شود! : هذا امرأة قوية، تجتنب من الكسل ولا تبأس في حياتها!
۳. هرگز به سرزنش کردن دیگران به خاطر گناهشان عجله نکن! : لا تعجل في عقاب الآخرين بسبب ذنوبهم أبدأ!
۴. ما به دو بال دین و علم احتیاج داریم تا در زندگیمان پیشرفت کنیم! : نحن بحاجة إلى جناحي العلم والدين حتى نتقدم في حياتنا!

۸۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

سافرنای فی ایام الصَّیْفِ الْمَاضِي إِلَى الْمَنَاطِقِ الْمَخْتَلِفَةِ لِشَاهِدِ مَنَاطِرٍ جَمِيلَةٍ وَ تَمَتَّعْنَا كَثِيرًا بِهَذِهِ الْمَنَاطِرِ! : در روزهای تابستان گذشته به .....

۱. مَنَاطِقِ گوناگون سفر کردیم تا صحنه های زیبایی را ببینیم و از این مناظر بسیار بهره مند شدیم!
۲. مَنَاطِقِ گوناگون مسافرت کردیم و صحنه های زیبا را دیدیم و از این مناظر بسیار بهره بردیم!
۳. مَنَاطِقِ گوناگون سفر کردیم و صحنه های زیبا را دیدیم و از بسیاری از این مناظر بهره بردیم!
۴. مَنَاطِقِ مختلفی سفر کردیم تا صحنه های زیبا را ببینیم و از مناظر آن بسیار بهره مند شدیم!

۸۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

« لَمْ يَتْرِكْ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ فِي الْقُرْآنِ، فَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ! » خدایوند .....

۱. چیزی را که بندگانش در قرآن نیاز دارند، رها ننموده است، پس قرآن تازه است و راهنمای بهترین راه است!
۲. هیچ چیزی که در قرآن بندگان به آن احتیاج دارند را ترک نکرد، در نتیجه قرآن، جدید و راهنما به بهترین راه است!
۳. هیچ چیزی را که مورد نیاز بندگان در قرآن است، ترک نمی کند، پس آن، جدید و راهنمایی به بهترین راه است!
۴. چیزی را که بندگانش در قرآن به آن احتیاج دارند، رها نکرده است، پس آن، دلیلی بر بهترین راه است!



### ۹۰ ☆ عین الخطأ فی الترجمة:

- ۱) نعرف ما حولنا حتى نُسَبِّطَ على انفسنا وعلى اعمالنا : ما باید آنچه را که پیرامونمان است، بشناسیم تا بر نفس‌ها و کارهای خویش مسلط گردیم.
- ۲) بلغ الظبي قمه احد التلال، حينئذ رأى ظيبا اخر هناك! : آهو به بالای یکی از تپه‌ها رسید در این هنگام آهوی دیگری را آن‌جا دید.
- ۳) ان لا تشرك بالله احداً، فنستطيع ان نحقق اهدافنا! : اگر کسی را شریک خداوند قرار ندهیم، پس می‌توانیم هدف‌های خود را محقق سازیم!
- ۴) لن نشاهد على وجهها شروراً لأنّ زوجها قد مات فى الشباب! : شادی را به چهره‌ی او ندیدیم، زیرا همسرش در جوانی مرده است!

### ۹۱ ☆ عین الأقرب من مفهوم هذه الآية: «وما تقدّموا لأنفسكم تجدوه عندالله.»

- ۱) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ.»
- ۲) «والله يزرُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.»
- ۳) حاسبوا أنفسكم قبل أن تُحاسبوا!
- ۴) «ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير؟»

### ۹۲ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فى الأجوبة للتعريب:

«عسل بر خلاف مواد قندی دیگر خاصیت‌های زیادی دارد. به راستی عسل ارزش غذایی‌اش را برای مدتی طولانی حفظ می‌کند!»: للعسل.....

- ۱) خواصّ كثيرة على خلاف السكریات الأخرى. إن العسل يحتفظ بقيمته الغذائية لمُدّة طويلة!
- ۲) على خلاف السكریات الأخرى خواصّ كثيرة. العسل يحتفظ قيمة الغذائية لمُدّة طويلة!
- ۳) على خلاف السكریات الأخرى خواصّ كثير. العسل تحتفظ قيمته الغذائية للمُدّة الطويلة!
- ۴) خواصّ كثيرة على خلاف السكریات الأخرى. إن العسل لمُدّة طويل يحتفظ القيمة الغذائية!

### ۹۳ ☆ عین الصحيح فى الجواب للتعريب:

«خداوند در توبه را بر بنده‌ای که از رحمتش ناامید نشده است، نمی‌بندد!»

- ۱) ان الله لا يغلِق باب التوبه على الذى لن يياس من رحمته!
- ۲) لا يغلِق الله التوبه على العبد الذى لم يقنط من رَحْمَتِهِ!
- ۳) لن يغلِق الله عن العبد باب توبته و هو لا يياس من رحمه الله!
- ۴) على عبيداً قنط من رحمه الله لم يغلِق ابواب التوبه!

### ۹۴ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فى الأجوبة للترجمة:

« إن قَاوَمَ الفلِسطينيّونَ مقابل الغزاة يقدرُوا أن يسترجعُوا اراضِيهم ! » :

- ۱) اگر فلسطینیان در برابر اشغالگران مقاومت کنند خواهند توانست که سرزمین خود را باز پس گیرند!
- ۲) چنانچه فلسطینی‌ها در برابر متجاوزان ستمگر ایستادگی کنند خواهند توانست که سرزمین خود را باز پس گیرند!
- ۳) اگر فلسطینی‌ها در برابر متجاوزان ایستادگی کنند، می‌توانند سرزمین‌هایشان را باز پس گیرند!
- ۴) چنانچه مردم فلسطین در مقابل اشغالگران مقاومت کنند، می‌توانند سرزمین خود را باز پس گیرند!

### ۹۵ ☆ عین الصحيح فى الترجمة: سَفَتَتْشُ عن آثار ظبي له قرون ثمينه و يسكن فى منطقہ بعيده عنا

- ۱) در جستجوی آن آهو بودیم که شاخ‌هایش برق می‌زند و در منطقه‌ای به دور از ما زندگی می‌کند!
- ۲) به دنبال نشانه‌های آهویی خواهیم گشت که شاخ‌های دلربایی دارد و منطقه‌ی دور از ما زندگی می‌کند!
- ۳) نشانه‌های آهویی را جستجو خواهیم کرد که شاخ‌هایی گران‌بها دارد و در منطقه‌ای دور از ما زندگی می‌کند!
- ۴) نشانه‌ی آهویی را که شاخ گران‌بها دارد و منطقه‌ی دور از ما ساکن است جستجو می‌کنیم!

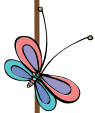
### ۹۶ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فى الأجوبة للترجمة :

«وجدتُ فى مكتبة المدرسة كتاباً مفيداً يبعدين عن الضلال كالصديق المخلص!»

- ۱) کتابی مفید در کتابخانه‌ی مدرسه یافتیم که مانند دوست با اخلاص مرا از گمراهی دور می‌کرد!
- ۲) در کتابخانه‌ی مدرسه کتاب مفیدی دیدم که مانند دوستی مخلص من را از گمراهی دور می‌کرد!
- ۳) کتاب مفیدی در کتابخانه‌ی مدرسه مان یافتیم که مثل یک دوست با اخلاص من را از گمراهی دور می‌کند!
- ۴) کتابی مفید در کتابخانه‌ی مدرسه پیدا کرده‌ام که مرا همچون دوست با اخلاص از تاریکی دور خواهد کرد!

### ۹۷ ☆ عین الصحيح فى التعريب: «مدارس بسيارى در شهرمان احداث شده است و دانش‌آموزان کوشا مشغول درس خواندن در آن‌ها هستند!»:

- ۱) قد أحدثت المدارس الكثيرة فى مدينتنا و التلاميذ المجدين مشغولين بالدراسة فيها! ۲) المدارس الكثيرة قد أحدثت فى المدينة و التلاميذ المجدون مشغولون فيها بالدراسة!
- ۳) قد أحدثت مدارس كثيرة فى المدينة و التلميذات المجذبات مشغولون فيها بالدراسة! ۴) قد أحدثت مدارس كثيرة فى مدينتنا و التلاميذ المجدون مشغولون بالدراسة فيها!



۹۸ ☆ عین الصحیح فی التعرّیب: «اگر به جنگل های زیبای کشورمان بنگریم شگفتی های فراوانی را در آن خواهیم دید»

- ۱ ان نظری الی غایات بلادنا الجمیله سوف نشاهد عجائب کثیره فیه!  
 ۲ ان نظرننا الی غابه بلادنا الجمیله سوف شاهدنا العجائب الکثیر دائماً!  
 ۳ عندما نظری الی غابه بلادنا الجمیله نشاهد عجائب کثیره فیه!  
 ۴ ان نظری الی غایات بلادنا الجمیله سوف نشاهد عجائب کثیراً فیه!

۹۹ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبه للترجمة :

«إلهی إن تهج لی الی محبتک سبیلاً تکرمنی و تجنّبنی معصیتک!» :

- ۱ ای خدای من اگر راه محبت به خود را به من نشان دهی مرا گرامی داشته ای و از نافرمانی خود دور گردانیدی!  
 ۲ خدایا راهی به سوی محبت خویش به من نشان بده و مرا گرامی بدار و از نافرمانی خویش بازدار!  
 ۳ خدای من اگر راهی به سوی محبت خود به من نشان دهی مرا گرامی می داری و از نافرمانی خویش دور می کنی!  
 ۴ خدای من اگر راهی به سوی محبت خود به من نشان دهی تو را گرامی می دارم و از نافرمانیت دور می گردم!

۱۰۰ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبه للترجمة:

«أنا ذلک العبد الذی شاکر لفواضل نعماتک و محبّ لصفوه أولیائک!»

- ۱ من آن بنده ای هستم که بر گسترده های نعمت های شاکرم و دوست دار اولیای برگزیده ات هستم!  
 ۲ من همان بنده هستم که بر گسترده های نعمت شاکر و دوست دار برگزیدگان از دوستانم هستم!  
 ۳ من همان بنده ای می باشم که نعمت های گسترده ای تو را شکر می کنم و اولیاء برگزیده ات را دوست می دارم!  
 ۴ من همان عبد شاکر بر نعمت های گسترده ای تو و دوست دار اولیاء محبوب تو هستم!

۱۰۱ ☆ عین الخطأ فی الترجمة:

- ۱ إلهی إن تخرجنی من ظلمات الوهم: خدای من اگر مرا از تاریکی خیال خارج کنی،  
 ۲ تُکرمنی بنور الفهم: مرا با نور فهم گرامی می داری،  
 ۳ و تفتح علیّ أبواب رحمتک: و درهای رحمت خویش را بر من می گشایی،  
 ۴ و تنشر علیّ خزائن علومک: و گنجینه های دانش هایت را بر من می گسترانی!

۱۰۲ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبه للتعریب:

«این دانش آموز، کوشاست و از تنبلی دوری می کند!»

- ۱ هذا الطّالِب مجتهدٌ و یتعبد عن الكسل!  
 ۲ هذه الطّالِبَة المجتهدَة تُبَعِد الكسالة!  
 ۳ هذا طالب مجتهدٌ و یتجنب الكسل!  
 ۴ هذه طالِبَة مجتهدَة و یتجنب الكسالة!

۱۰۳ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبه للترجمة أو التعریب أو المفهوم :

«لما خرج الفلاح من بیته شاهده من کان له طفلان صغیران!» :

- ۱ زمانی کشاورز از خانه خارج شد که آن کسی که دو فرزند کوچک داشت او را دید!  
 ۲ کسی که دو کودک کوچک همراهش بود وقتی کشاورز را دید که او از منزلش بیرون آمد!  
 ۳ وقتی که کشاورز از خانه اش خارج شد، کسی که دو کودک کوچک داشت او را دید!  
 ۴ وقتی کشاورز از منزل خود خارج شود، آن که دو فرزند کوچک دارد او را می بیند!

۱۰۴ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبه للترجمة:

نظرت المرأة الفقیره الی أمير المؤمنین و قالت، قد مات زوجی ولی أطفال یتامی!

- ۱ زن فقیر به امیر المؤمنین نگاه کرد و گفت: همسر من فوت کرده ولی کودکانم یتیم هستند!  
 ۲ زن فقیری به امیر المؤمنین نگاه کرد و گفت: همسر من کشته شده است و فرزندانم یتیم هستند!  
 ۳ زن فقیر به امیر المؤمنین نگاه کرد و گفت: شوهر من مرده است و کودکانی یتیم دارم!  
 ۴ زن فقیری که به امیر المؤمنین نگاه کرد گفت: شوهر من از دنیا رفته و کودکان یتیمی دارم!

☆ ۱۰۵ عین الصّحیح فی الترجمة:

- ۱ ما شاهدتُ فی حیاتی هوالتقدّم فی الدّرس! : آن چه در زندگی خود مشاهده کردم همان پیشرفت در درس است!
- ۲ شجّع أصدقائی علی التّفکر و التّعلّم! : دوستانم را بر تفکر و یادگیری تشویق کردند!
- ۳ تألیف المسلمین فی مجال الطّب کثیراً جدّاً! : مسلمانان در زمینه ی پزشکی تألیفات زیادی دارند!
- ۴ لكلّ مأموم إمامٌ یقتدی به! : هر مأمومی از امامی پیروی می کند!

☆ ۱۰۶ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّعریب

عاقِل کسی است که آرزوهایش را در دنیا کوتاه می کند تا رستگاه شود!

- ۱ العاقل أذی یقصرُ آماله فی الدّنيا یفوز!
- ۲ من یقصرُ الآمال فی الدّنيا حتّی یفوز فهو العاقل!
- ۳ العاقل من یقصرُ آماله فی الدّنيا حتّی یفوز!
- ۴ أذی یقصرُ آماله و یفوز فی الدّنيا هو العاقل!

☆ ۱۰۷ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّعریب:

«دانشمندان مسلمان در تمامی حوزه های علمی به نتایج مفید دست یافتند!»

- ۱ حصل العلماء المسلمون فی كلّ المجالات العلیمة علی التّناجیح المفیده!
- ۲ علماء المسلمین حصلوا فی جمیع مجلاتِ علمیة علی نتایج المفیده!
- ۳ قد بلغ العلماء المسلمون فی المجالات العلیمة بالتّناجیح المفیده!
- ۴ علماء المسلمین قد بلغوا إلى المجالات العلیمة بنتائج المفیده!

☆ ۱۰۸ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّرجمة :

«لما وصلت إلى بیّتی رأیت طفلاً عند باب البیت یُریدُ أن أحمله إلى بیّته!»

- ۱ هنگامی که به خانه ام رسیدم کودکی را جلوی در خانه دیدم که می خواست او را به خانه اش ببرم!
- ۲ موقعی به منزل رسیدم که مشاهده کردم کودکی جلوی در خانه از من می خواهد که او را به خانه اش ببرم!
- ۳ به خانه ی خویش نرسیده بودم که کودکی را نزد خانه دیدم که می خواست او را به منزلش ببرم!
- ۴ زمانی که به منزل رسیدم مشاهده کردم که کودکی جلوی در خانه می خواهد که من او را به منزلش ببرم!

☆ ۱۰۹ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّرجمة :

«والله لا أسلبُ جلب شعیرةٍ من فم نملةٍ و إن أعطیت الدّنيا و ما فیها!»

- ۱ سوگند به خدا که من پوست یک دانه ی گندم را از دهان مورچه نمی گیرم هر چند که دنیا و آن چه در اوست به من داده شده است!
- ۲ قسم به خدا پوست جو را از دهان مورچه نمی گیرم حتی اگر تمام دنیا را به من بدهند!
- ۳ به خدا سوگند پوست یک دانه ی جو را از دهان مورچه ای نمی گیرم هر چند که دنیا و آن چه در اوست به من داده شود!
- ۴ قسم به خدا من پوست گندمی را از دهان مورچه ای نمی گیرم هر چند که تمامی آن چه در دنیاست به من داده شود!

☆ ۱۱۰ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّرجمة :

أرسلوهم إلینا لکی تُرجعهم بالأکیاس المملوءة! :

- ۱ آن ها را به سوی ما فرستادند تا اینکه با کیسه های پر آن ها را برگردانیم!
- ۲ آن ها را به سوی ما بفرستید تا با کیسه های پر آن ها را برگردانیم!
- ۳ آن ها را به سوی ما فرستادند تا کیسه ها را پر به سوی آن ها برگردانیم!
- ۴ آن ها را به سوی ما بفرستید تا اینکه با کیسه های پر بازگردند!

☆ ۱۱۱ عین الخطأ فی الترجمة:

- ۱ ما تفعلوا من خیر یعلّمه الله: هر آنچه از خیر انجام دهید، خدا آن را می داند!
- ۲ المنافقون لم یؤمنوا بما أنزل الله! منافقان به آنچه خداوند نازل کرده ایمان نمی آورند!
- ۳ فلیعبدوا ربّ هذا البیت: باید صاحب این خانه را عبادت کنند!
- ۴ لن یهلك امرؤ عرف قدر نفسه! انسانی که ارزش خود را دانست هرگز هلاک نخواهد شد!

☆ ۱۱۲ عین الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّعریب:

"وقتی به مسجد رفتم، مردی را در آنجا دیدم که تمام روز عبادت می کرد!"

- ۱ لّما ذهبت إلى المسجد رأیت هناك رجلاً یتعبد طول النّهار!
- ۲ إذا كنتُ ذهبتُ إلى المسجد قد وجدت فی ذلك المكان رجلاً تعبدُ كلّ الیوم!
- ۳ حین ذهبت إلى مسجد وجدت شخصاً کان یتعبد فی طول الیوم!
- ۴ عندما ذهبت إلى المسجد رأیت هناك رجلاً قد تعبد طول النّهار!



۱۱۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

من به مناطق مختلفی برای مشاهده حیوانات کمیاب مسافرت می‌کردم!

- ۱) أنا أسافر إلى المناطق المختلفة لأشاهد الحيوانات النادرة!  
 ۲) كنت أسافر إلى المناطق المختلفة لأشاهد الحيوانات النادرة!  
 ۳) كنت سافرت إلى مناطق مختلفة لمشاهدة الحيوانات النادرة!  
 ۴) كنت أسافر إلى مناطق مختلفة لمشاهدة الحيوانات النادرة!

۱۱۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«أنا وصلت إلى أهدافي العاليه في الحياه لأنني كنت تحمّلت مصاعب كثيرة!» :

- ۱) من به اهداف عالی خود در زندگی رسیدم زیرا سختی‌های زیادی را تحمل کرده بودم!  
 ۲) من به هدف‌های خود در زندگی نائل شدم زیرا در حال تحمل سختی‌های زیادی بودم!  
 ۳) من به هدف‌های والایی در زندگی رسیدم چرا که سختی‌های بسیار را تحمل کرده بودم!  
 ۴) من به اهداف والای خود در زندگی دست یافتم چرا که مصیبت فراوانی را تحمل کرده بودم!

۱۱۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«كان العالم الجليل ملاصدرا يبحث عن تلميذ لا يرتكب المعصية!»

- ۱) دانشمند بزرگوار ملاصدرا با دانش‌آموزی گفتگو می‌کرد که مرتکب گناه نمی‌شد!  
 ۲) عالم جلیل‌القدر ملاصدرا با دانش‌آموزی بحث می‌کرد که گناهی مرتکب نشود!  
 ۳) عالم بزرگوار ملاصدرا به دنبال دانش‌آموزی بود که گناه مرتکب نشود!  
 ۴) دانشمند بزرگوار ملاصدرا به دنبال دانش‌آموزی می‌گشت که مرتکب گناه نمی‌شد!

۱۱۶ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) سمعت نداءً يدعوني إلى الجهاد! : صدایی را شنیدم که مرا به سوی جهاد دعوت می‌کرد!  
 ۲) أطلبُ مني عبادة الأصنام! : آیا از من پرستش بت‌ها را می‌خواهی؟!  
 ۳) لا يقبل السكوت أمام ظلم الظالمين! : سکوت در برابر ظلم ظالمان پذیرفته نمی‌شود!  
 ۴) لا أسمع، أحفظ بملكتنا و جاهنا! : اجازه نمی‌دهم، از دارایی و مقاممان محافظت می‌کنم!

۱۱۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

«وقتي سازندهی مسجد نام بهلول را روی دیوار مسجد دیدم، عصبانی شدم!»:

- ۱) عندما شاهد بانى المسجد اسم بهلول على جدار المسجد، غضب!  
 ۲) غضب بانى المسجد حينما برى اسم بهلول على الجدار!  
 ۳) إذا رأى صاحب المسجد اسم بهلول على جدار المسجد، غضب شديداً!  
 ۴) حين شاهد البانى اسم بهلول على جدار المسجد، غضب!

۱۱۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ :

«مدیر، جوانی را انتخاب کرده بود که تجربه‌های کمی داشت خودستایی نمی‌کرد!»:

- ۱) إنتخب المدير شاباً كانت تجاربه قليله و ما كان يمدح نفسه!  
 ۲) كان المدير إنتخب الشابَ الَّذِي له تجارب القليله و لا يمدح نفسه!  
 ۳) كان المدير إنتخب شاباً كانت له تجارب قليله و ما كان يمدح نفسه!  
 ۴) المدير قد إنتخب الشابَ الَّذِي كانت تجاربه قليله و لا يمدح نفسه!

۱۱۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«لا يشرك المرء بالله لأن الله يغفر الذنوب إلا أن يُشرك به!»

- ۱) انسان به خداوند شرک نمی‌ورزد زیرا خداوند همه گناهان را می‌آمرزد جز شرک به او!  
 ۲) آدمی به خداوند شرک نوزد زیرا خدا گناهان را می‌آمرزد مگر این‌که به او شرک ورزیده شود!  
 ۳) انسان برای خدا شریک قرار ندهد چرا که او گناهان را می‌بخشد مگر کسی را که به او شرک بورزد!  
 ۴) آدمی برای خدا شریک قرار نمی‌دهد چرا که او همه گناهان را می‌آمرزد جز این‌که به او شرک ورزیده شود!

۱۲۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«من كان يعتمد على قدراته و يتوكل على ربّه أصبح قَدوةً لنا!» :

- ۱) هرکس به توانایی‌هایش تکیه کند و بر پروردگارش توکل نماید، الگویی ما می‌شود!  
 ۲) کسی که بر قدرت‌های خویش اعتماد می‌کرد و بر پروردگارش توکل داشت، الگویی ما شد!  
 ۳) هر که اعتماد بر نیروی خود داشته باشد و بر پروردگارش توکل کند، الگویی برای ما می‌شود!  
 ۴) کسی که بر توانایی‌های خویش تکیه می‌کرد و بر پروردگارش توکل می‌کرد، الگویی برای ما شد!

۱۲۱ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«لأساعد أُمِّي فِي أَعْمَالِهَا، خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ لِنَهْيَةِ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ!»:

- ۱ برای اینکه به مادرم در کارهایش کمک کنم. برای تهیه آنچه به آن نیاز دارد از خانه خارج شدم!  
 ۲ باید به مادرم در کارهایش کمک کنم و برای تهیه مایحتاج وی از خانه خارج شوم!  
 ۳ برای اینکه به مادرم در کارهای خانه کمک کنم. از خانه خارج شدم و مایحتاج او را تهیه کردم!  
 ۴ باید در کارهای مادرم به او کمک کنم و برای تهیه آنچه نیاز دارد از خانه خارج شوم!

۱۲۲ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«أَنَا أَقْدِرُ أَنْ أَحْمِلَ الْقُرْبَةَ إِلَى بَيْتِ الْفُقَرَاءِ وَ أُسَجِّرَ التَّنُورَ لَهُمْ!»

- ۱ من توانا ترم که مشک را به خانه فقرا برده و تنور را روشن کنم!  
 ۲ من قادرم که مشک آب را تا خانه نیازمندان حمل کنم و تنور را شعله ور کنم!  
 ۳ من می توانم مشک را به خانه نیازمندان ببرم و تنور را برای آن ها روشن کنم!  
 ۴ من بر حمل مشک تا خانه فقرا و روشن کردن تنور آن ها توانا تر هستم!

۱۲۳ ☆ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ من بحبِّ اكتساب الثَّوَابِ فليُنْظَرِ إِلَى حَالِ الْمُحْرَمِينَ! : کسی که کسب پاداش را دوست دارد به حال محرومان توجه می کند!  
 ۲ هؤلاء الطَّالِبَاتِ يَتَّبِعْنَ عَنِ الْبَاطِلِ! : این دانش آموزان دختر از باطل دوری می کنند!  
 ۳ لهذا الرِّجْلُ الْأَسْمَرُ كَفَّانَ خَشْتَنَانِ! : این مرد گندمگون، دستانی زبر دارد!  
 ۴ عَزَمْتُ عَلَى الرَّجُوعِ إِلَى بَيْتِي! : تصمیم گرفتم که به خانه ام برگردم!

۱۲۴ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ :

«جوانان ما آنچه را که غرب بر آن ها عرضه می کند، نمی پذیرند!»:

- ۱ یرفض شباننا ما یرضه علیهم الغرب!  
 ۲ ما یقبل شباننا کلَّ ما یرضه الغرب علیهم!  
 ۳ شباننا لا یقبلون ما یرض من جانب الغرب!  
 ۴ قد رفض شباننا ما یرضه علیهم الغرب!

۱۲۵ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ :

«به دنبال آهوئی بودم که پناهگاهش را برای دیدن ماه ترک می کرد!»:

- ۱ فَنَشَتْ عَنِ طَبِي قَدِ تَرَكَ مَأْمَنَهُ لِرُؤْيَةِ الْقَمَرِ!  
 ۲ بَحِثْ عَنِ طَبِي يَتَرَكَ مَأْمَنَهُ لِمَشَاهِدَةِ الْقَمَرِ!  
 ۳ أَفْتَشُ طَبِيًّا بِتَرَكَ الْمَأْمَنِ لِمَشَاهِدَةِ الْقَمَرِ!  
 ۴ كُنْتُ قَدْ بَحِثْتُ عَنِ الطَّبِيِّ الَّذِي تَرَكَ مَأْمَنَهُ لِرُؤْيَةِ الْقَمَرِ!

۱۲۶ ☆ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ یرید الأعداء أن یجرونا إلى التبعیة و الأسر و ینهبوا ثروتنا! : دشمنان می خواهند ما را به وابستگی و اسارت بکشند و ثروتمان را غارت کنند!  
 ۲ شاهدنا العَلمَ و أجلسناه إلى جانبنا و رَحَبْنَا بِهِ! : معلم را دیدیم و در کنارش نشستیم و به ما خوش آمد گفت!  
 ۳ وَضَعْتُ سِلَاحِي عَلَى الْأَرْضِ وَ نَدِمْتُ عَنِ عَزْمِي لِصَيْدِ الطَّبِيِّ! : سلاح را بر زمین گذاشتم و از تصمیم برای کشتن آهو پشیمان شدم!  
 ۴ تَمَرَّ الْجِبَالُ أَمَامَ عَيْنِيكَ وَ سَبَبَ ذَلِكَ دَوْرَانُ الْأَرْضِ وَ حَرَكَتُهَا! : کوه ها در مقابل چشمات عبور می کنند و دلیل آن چرخش زمین و حرکت آن است!

۱۲۷ ☆ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ وقتی بنده به پوشاندن بدی ها نیاز دارد، پروردگارش را صدا می کند! ینادی العبد ربَّه حین یحتاج إلى سِتْرِ عِیُوبِهِ!  
 ۲ وقتی در درس هایمان کمک می خواهیم فواید زیادی در کتاب های درسی می یابیم! حینما نطلب المساعدة فی الدُّروس نجد منافعاً کثیرةً فی الکتب الدِّرَاسِیَّةِ!  
 ۳ هنگامی که فکرهای روشنی بخش داریم باید تصمیم به درس خواندن بگیریم! علینا أن نعزم علی الدِّرَاسَةِ عِنْدَمَا لَنَا هَذِهِ الْأَفْکَارُ الْمُضِیئَةُ!  
 ۴ هنگامی که با نیکان دوستی می کنیم حقیقت این زندگی جدید را می شناسیم! عِنْدَمَا نَصَادِقُ الصَّالِحِينَ نَعْرِفُ حَقِیقَةَ هَذِهِ الْحَیَاةِ الْجَدِیدَةِ!

۱۲۸ ☆ عین الصحیح فی الترجمة:

أحسب النَّاسَ أَنْ یَتَرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا یَفْتَنُونَ!

- ۱ آیا مردم تصور کرده اند که آنها را رها می کنند از این که بگویند مؤمن هستیم و مورد آزمایش واقع نمی شوند.  
 ۲ مردم گمان کرده اند که تنها با گفتن ایمان می آوریم به حال خود رها می شوند و امتحانشان نمی کنند!  
 ۳ مردم پنداشتند که آزاد گذاشته می شوند درحالی که می گویند ایمان می آوریم و ایشان را آزمایش نمی کنند!  
 ۴ آیا مردم پنداشته اند این که بگویند ایمان آورده ایم رها می شوند و آن ها امتحان نمی شوند!

۱۲۹ ☆ عین الصحیح فی الترجمة:

أجبر علماء المسيحية غالبية على السكوت حول المسائل العلمية ولكن الأدين الإسلامي أوجب تعلم العلم و تعليمه!

- ۱ علماء جهان مسيحية گالیله را مجبور به سکوت درباره‌ی مسائل علمی کردند، ولی در دین اسلام یاد گرفتن دانش و یاد دادن آن واجب است!
- ۲ دانشمندان مسیحی، گالیله را مجبور به سکوت درباره‌ی مسائل علمی کردند، ولی در دین اسلام یاددهی و یادگیری علم واجب شده است!
- ۳ دانشمندان مسیحیت گالیله را مجبور به سکوت درباره‌ی مسائل علمی کردند، ولی دین اسلام یاد گرفتن علم و یاد دادن آن را واجب کرد!
- ۴ عالمان مسیحی مجبور کردند تا گالیله مسائل علمی را بیان نکند، ولی در اسلام یاد دادن و یاد گرفتن علوم بر همه واجب است!

۱۳۰ ☆ عین الصحیح فی الترجمة:

- ۱ لَمَّا شَاهَدَ الرَّسُولُ (ص) الْفَلَاحَ تَفَسَّحَ فِي مَكَانِهِ لَهْ وَأَجْلَسَهُ إِلَى جَانِبِهِ! زَمَانِي كَهْ بِيَامِرِ (ص) كِشَاوَرِزِي رَا دِيدَ دَر مَكَانِشْ بَرَايِ اَوْ جَا بَازْ كَرْدَ وَ كِنَارِ اَوْ نَشِسْتَا.
- ۲ فِي الْقُرْآنِ أَسْرَارٌ غَامِضَةٌ لَمْ يَكْتَشِفْ الْعِلْمُ حَقِيقَتَهَا حَتَّى الْآنَ! دَرِ قُرْآنِ اسْرَارِ پِیچیدَه‌ای اسْت که علم تا کنون نتوانسته حقیقت آن را کشف کند!
- ۳ لَنْ تَرْجِعَ اِلَّا بِالْاَكْبَاسِ الْمَمْلُوءَةِ وَ نِسَاءِ الْفُقَرَاءِ بَشِيءٍ مِنْهَا! جِزْ بَا كِبْسَه‌هَایِ پَر بَازْ نَمِیْ گَرْدِیْمِ وَ بَا اَنْ بَهْ فَقِیْرَانِ كَمَكْ خَوَاهِیْمْ كَرْدَا!
- ۴ فِي مَسِيرِنَا نَحُو التَّقَدُّمِ عَلَيْنَا اَنْ نَجْعَلَ الْعُلَمَاءَ اَسْوَةَ لَأَفْسُنَا! : دَرِ مَسِیرْمَا نَبَهْ سَمْتِ پِیْشْرَفْتِ مَا بَايْدَ دَانِشْمَنْدَانِ رَا الْكُوْبِيْ بَرَايِ خُودْمَا نِ قَرَارِ دَهِيْمَا!

۱۳۱ ☆ «یکی از کارمندان این بیمارستان شش ماه دنبال مسکنی متناسب با حقوقش در نواحی مرکزی شهر می گشت!»

- ۱ كان أحد موظفي هذا المستشفى يبحث عن مسكن مناسب لراتبه في النواحي المركزية من المدينة سته شهورا!
- ۲ كان واحد عن موظفين هذا المستشفى قد بحث عن بيت يناسب لرواتبه في النواحي المركزي من البلد سبعة أشهر!
- ۳ يفتش موظف واحد من هذه المستشفى عن منزل مناسب لحقوقه في المناطق المركزية من المدينة سبعة أشهر!
- ۴ قد فتش أحد موظفي هذا المستشفى عن مسكن مناسب لأجرته في المناطق الأصلية من البلاد سته شهورا!

۱۳۲ ☆ عین الأصح و الأدق فی الجواب للترجمة:

«كان الاغنياء يستقبلون الامام (ع) مثل ملوكهم لذلك تعجب الامام (ع) من عملهم!»

- ۱ ثروتمندان از امام (ع) چون پادشاهانشان استقبال می‌کردند به خاطر آن امام (ع) از کارشان تعجب کرد!
- ۲ ثروتمندان از امام (ع) چون پادشاهان خود استقبال کردند به همین دلیل امام (ع) را از کارشان متعجب کردند!
- ۳ امام (ع) وقتی که ثروتمندان مثل پادشاهانشان از او استقبال کرده بودند از کارهای آن‌ها تعجب کرد!
- ۴ ثروتمندان از امام (ع) مثل پادشاهان خود استقبال می‌کردند به خاطر آن امام (ع) از کار آن‌ها تعجب بسیار کرد!

۱۳۳ ☆ عین الأصح و الأدق فی الجواب للتعريب:

«سواران برای استقبال امیر از مرکب‌هایشان پیاده می‌شدند و به بزرگداشت وی می‌پرداختند!»

- ۱ الرَّاكِبُونَ كَانُوا يَنْزِلُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لِاسْتِقْبَالِ الْأَمِيرِ وَ يَقُومُونَ بِتَعْظِيمِهِ!
- ۲ كَانِ الرَّاكِبُونَ يَنْزِلُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لِاسْتِقْبَالِ الْأَمِيرِ وَ قَامُوا بِتَبْجِيلِهِ!
- ۳ كَانِ الرَّاكِبُونَ يَنْزِلُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لِاسْتِقْبَالِ الْأَمِيرِ وَ يَقُومُونَ بِتَعْظِيمِهِ!
- ۴ نَزَلَ الرَّاكِبُونَ مِنَ الْمَرَاكِبِ لِاسْتِقْبَالِ الْأَمِيرِ وَ قَامُوا بِتَبْجِيلِهِمْ!

۱۳۴ ☆ فی ائی عبارتة ما جاء فعل مزيد بحرفین؟

- ۱ الأسد و الذئب يتفخران بقتل الحيوانات.
- ۲ أنت تُعلمين أشياء كثيرة في مواجهة صعوبات الحياة.
- ۳ قالت الأم نحن لا نستسلم أمام الصعوبات و نكتسب رزقنا بين هذه الوحوش.
- ۴ تتعلم حسن الإستماع كما تعلمنا حسن الحديث.

۱۳۵ ☆ عین فعل الأمر:

- ۱ لماذا أتعب نفسي في كسب المال لا العلم؟
- ۲ أتعب الجسم في خدمة الروح حتى تنتفع منه!
- ۳ أقسم بالله العظيم: أسمى ان لا أعمل سوءاً!
- ۴ أفقّ الكريم إلى المساكين و ما خاف الفقر في حياته!

۱۳۶ ☆ عین الخبر فی العبارة التالية: «المقاتل الذي قد حمل سلاحه ضدّ العوّ الغاصب بطل حقيقي!»

- ۱ الذي
- ۲ قد حمل سلاحه
- ۳ بطل
- ۴ على ضدّ العدو



۱۳۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ :

«هل تُقدِّر أن تُصدِّق أنَّ الجبال سائرة كالسَّحَب؟ الحقيقة كذلك و سبب حركة الجبال هو دَوْران الأرض و حركتها!»:

- ۱ آیا می‌توانی گمان کنی که کوه‌ها مانند ابرها حرکت می‌کنند؟ حقیقت این است که آن‌ها چنین هستند و علتش هم حرکت زمین است!
- ۲ آیا می‌توانی باور کنی که کوه‌ها مانند ابرها حرکت کنند؟ حقیقت این چنین است و علت حرکت کوه‌ها همان چرخش زمین و حرکت آن است!
- ۳ آیا می‌توانی تصور کنی کوه‌ها مانند ابرها در حرکت‌اند؟ حقیقت چنین است و سبب حرکت کوه‌ها چرخش زمین است!
- ۴ آیا باور می‌کنی که کوه‌ها مانند ابر حرکت دارند؟ حقیقت این چنین است و علت حرکت کوه‌ها همان چرخش زمین است!

۱۳۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

«أنادي رَبِّي و استغفره من كثرة ذنوبي لِأَنِّي احتاج إلى ستر ذنوبي عن الناس في الدنيا و غفرانها في الآخرة!»

- ۱ پروردگارم مرا ندا درمی‌دهد و گناهان مرا می‌آمرزد، زیرا من به پوشاندن آن‌ها از مردم بیش‌تر از بخشیدن آن‌ها در آخرت نیازمندم!
- ۲ خدا را صدا می‌زنم و از او طلب آمرزش گناهان بسیارم را می‌کنم، زیرا به پوشاندن گناهان از مردم در دنیا بیش‌تر از آمرزش آن‌ها در آخرت نیاز است!
- ۳ پروردگارم را صدا می‌زنم و از بسیاری گناهانم از او طلب آمرزش می‌کنم، زیرا من به پوشاندن گناهانم از مردم در دنیا و آمرزیدن آن‌ها در آخرت نیاز دارم!
- ۴ ندای من به پروردگارم می‌رسد از گناهان بسیارم مغفرت می‌خواهم، چون من به پنهان کردن گناهانم از مردم دنیا و بخشیدن آن در آخرت نیاز دارم!

۱۳۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ :

«بعد ما هَبِطَ الإنسان على سطح القمر فَمَهَّمُ أَنْ القمر ليس إِلَّا كوكباً هامداً لا أتر فيه للماءِ و لا للحياة!»:

- ۱ هنگامی که انسان بر سطح ماه فرود آمد، فهمید که ماه ستاره‌ای سرد و خاموش است و اثری از آب و زندگی در آن نیست!
- ۲ بعد از این که انسان بر سطح ماه فرود آمد، فهمید که ماه جز ستاره‌ای سرد و خاموش نیست که هیچ اثری از آب و زندگی در آن نمی‌باشد!
- ۳ انسان بعد از این که بر سطح ماه فرود آمد، پی‌برد که ماه ستاره‌ای بی‌آب و علف است و هیچ نشانه‌ای از آب و زندگی در آن یافت نخواهد شد!
- ۴ انسان زمانی که فهمید ماه جز ستاره‌ای سرد و بی‌آب و علف نیست، بر سطح آن فرود آمد!

۱۴۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمِ:

«دانشمندان از زمان گذشته تا کنون بسیار تلاش کرده‌اند تا رازهای پیچیده‌ی زمین را بشناسند!»

- ۱ العالمون یسعون من زمن القديم حتَّى الآن أن يعرفوا أسرار غامض في الأرض!
- ۲ من زمن القديم حتَّى الآن یسعی العالمون كثيراً حتَّى یعلموا سرَّ الأرض الغامضة!
- ۳ العلماء من الزمن الماضي حتَّى الآن قد حاولوا كثيراً حتَّى يعرفوا أسرار الأرض الغامضة!
- ۴ إنَّ العلماء من زمن الماضي حتَّى الآن یحاولون كثيراً أن یعلموا سرَّ غامض في الأرض كثيراً!

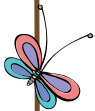
۱۴۱ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمِ:

- ۱ «مسلمانان در عرصه‌های فکری و علمی، بسیار پیشرفت کردند.»: تقدّموا المسلمون في المجالات الفكرية و العلمية.
- ۲ «کشاورز دستانی زبر دارد.»: للفلاح كَفِين خَشْتِنِين.
- ۳ «گاهی اوقات ضرورت ما را وادار به کاری می‌کند که آن را دوست نداریم.»: بعض الأحيان تُلجِننا الضَّرورةُ إلى عملٍ لا نُحِبُّها.
- ۴ «این درختان در طول سال سرسبز هستند.»: هذه الأشجارُ خضراءُ طول السَّنَةِ.

۱۴۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ :

«الإنسان أحوَج إلى الإرادة القويّة التي تُحلُّ كُلَّ عَقْدَةٍ و تُبَسِّرُ كُلَّ عَسِرٍ!»:

- ۱ آدمی به عزمی راسخ نیاز دارد که هر گرهی را باز کند و هر مشکلی را آسان کند!
- ۲ آدمی به عزم توانایی که همه‌ی گره‌ها را باز کند و هر مشکلی را آسان کند، نیاز دارد!
- ۳ انسان به اراده‌ی قوی محتاج‌تر است تا این که هر گرهی باز و مشکل آسان شود!
- ۴ انسان به اراده‌ی نیرومند که هر گره‌ای را بگشاید و هر دشواری‌ای را آسان کند، نیازمندتر است!



۱۴۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

«لَمَّا سَجَرَ عَلِيُّ (ع) النَّوْرَ رَأَتْ أُمُّ الْأَطْفَالِ أَنَّ النَّارَ مُحْرِقَةٌ فَتَرَكْنَهَا وَرَجَعَتْ إِلَى بَيْتِهَا نَادِمَةً!» هُنْكَامِي كَهْ عَلِي (ع) .....

۱ تور را روشن کرد، مادر کودکان دید که آتش سوزان است، پس آن را ترک کرد و با پشیمانی به سوی خانه‌اش برگشت!

۲ تور را آماده کرد، مادر کودکان دید که آتش سوزان است، پس او را ترک کرد و با پشیمانی به سوی خانه برگشت!

۳ تور را روشن کرد، مادر کودک دید که آن سوزان است، پس آتش را رها کرد با ناراحتی به سوی خانه‌اش رفت!

۴ تور را آماده کرد، مادر کودکان دید که آتش سوزان شد، پس آن را رها کرد و با ناراحتی به سوی خانه رفت!

۱۴۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

«لِمَاذَا لَا تَهْجُرِينَ النَّوْمَ وَ لَا تُقَصِّرِينَ أَمَانِيكَ حَتَّى تَفُوزِي فِي الْحَيَاةِ؟!»:»

۱ چرا خواب را رها نمی‌کنی و آرزوهایت را کوتاه نمی‌کنی تا در زندگی موفق شوی؟!

۲ چرا خواب را ترجیح می‌دهی و آرزویت را کم نمی‌کنی تا در زندگی خوشبخت شوی؟!

۳ چرا از خواب بر نمی‌خیزی و آرزوهایت را کم نمی‌کنی تا در زندگی رستگار شوی؟!

۴ چرا خواب را ترک نمی‌کنی و آرزوهای کوتاه خود را رها نمی‌کنی تا در زندگی پیروز شوی؟!

۱۴۵ ☆ عَيْنِ الْخَطَا:

۱ لا يُبَاسُ مِنَ النَّجَاحِ فِي الْعَمَلِ مِنْ تَقَدُّمِهِ قَلِيلٌ فِي الْبَدَايَةِ! : كَسِي كَهْ يَبْشُرْفَتَشْ دَرِ اَآْغَازِ اَنْدَكِ اَسْتِ اَزِ پِيروزی در عمل ناامید نمی‌شود!

۲ قَدْ زَيْنَ الْإِنْسَانَ حَيَاتَهُ بِأَجْمَلِ زِينَةٍ حِينَ عَمِلَ الْحَسَنَاتِ! : زَنْدَگِي اِنْسَانِ بَهْ زَبِيَا تَرِيْنِ زَبُوْر اَرَا سْتَهْ شَدَهْ هَنْگَا مِي كَهْ نِيكُو كَا رِي هَا كَرْدَهْ اَسْتِ!

۳ الْإِخْتِيَارُ مِنْ خِلَالِ الْكَلِمَاتِ الْوَجِيْزَةِ لَا يُتَعَبُ مِنْ يَسْتَمْعُ إِلَيْهِ! : خَيْرِ دَا دَنْ اَزِ طَرِيْقِ كَلِمَاتِ مَخْتَصِرِ، خَسْتَهْ نَمِي كَنْدِ كَسِي رَا كَهْ بَهْ اَنْ گُوشِ مِي كَنْدِ!

۴ اَجْلَسْنِي اَلْاَسْتَا دَعْنَهْ وَ تَكَلَّمْ مَعِي عَنْ اَسْلُوْبِ تَدْرِيسِهْ! : اَسْتَا دَرِ نَزْدِ خُودِ نَشَا نْدِ وَ دَرِبَا رَهِي رُوشِ تَدْرِيسِشْ بَا مِنْ صَحِيْبِ كَرْدِ!

۱۴۶ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«حَاضِرَانِ تَعْجَبُ كَرْدَنْدِ، وَقْتِي يَكِي اَزِ دَا نَشِ اَمُوْزَانِ دُوسْتَشْ رَا مَسْخَرَهْ كَرْدِ!»

۱ عِنْدَمَا اسْتَهْزَى اَحْدُ التَّلَامِيْذِ صَدِيْقَهْ، تَعَجَّبَ الْحَاضِرُوْنَ!

۲ حِيْنَمَا سَخِرَ اَحْدُ مِنَ التَّلَامِيْذِ صَدِيْقَهْ، يَتَعَجَّبُ الْحَاضِرِيْنَ!

۳ تَعَجَّبَ الْحَاضِرُوْنَ عِنْدَمَا قَصَدَ اَحْدُ التَّلَامِيْذِ اسْتَهْزَاءَ صَدِيْقَهْ!

۴ الْحَاضِرُوْنَ تَعَجَّبُوْا حِيْنَمَا سَخِرَ اَحْدُ الطَّلَاِبِ مِنَ الصَّدِيْقِ!

۱۴۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيْبِ :

عَيْنِ الْخَطَا : «اَيْنِ دَا نَشِ اَمُوْزَانِ دَرِ اَنْجَا مِ تَكَا لِيْفِ خُودِ كُوشَا هَسْتَنْدِ!»

۱ هَوْلَاءِ الطَّلَابَاتِ مَجْتَهِدَاتٌ فِي اَدَاءِ تَكَا لِيْفِهِنَّ!

۲ هَذَا نِ الطَّلَابَانِ الْمَجْتَهِدَانِ، فِي اَدَاءِ وِظَا ئِفَهُمَا!

۳ هَوْلَاءِ الطَّلَاِبِ، مَجْتَهِدُوْنَ فِي اَدَاءِ وِظَا ئِفَتِهِمْ!

۴ هَا تَا نِ الطَّلَابَتَانِ فِي اَدَاءِ وِظَا ئِفَتَهُمَا مَجْتَهِدَتَا نِ!

۱۴۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ :

«مَا كَانَ تَلْمِيْذٌ يُقْبَلُ إِلَّا بِشَرْوْطٍ وَ كَانِ مِنْ شَرْوْطِهْ عَدْمُ الْمَحَا كَاةِ فِي اَلْاُمُوْرِ الْعَلْمِيَّهْ!»:»

۱ دَا نَشِ اَمُوْزِي بَذِيْرْفَتَهْ نَمِي شُدِ، مَگَرِ بَا شَرْطِهَائِي وَ اَزِ شَرْطِهَائِيشْ، تَقْلِيْدِ نَكْرَدَنْ دَرِ اَمُوْرِ عِلْمِي بُوْدِ!

۲ جِزِ بَا شَرْوْطِي، دَا نَشِ اَمُوْزِي قَبُوْلِ نَمِي شُوْدِ وَ اَزِ شَرْطِهَائِيشْ، تَقْلِيْدِ نَكْرَدَنْ دَرِ كَا رَعْلَمِي اَسْتِ!

۳ دَا نَشِ اَمُوْزِي رَا قَبُوْلِ نَمِي كَرْدِ، جِزِ بَا شَرْطِهَائِي وَ اَزِ شَرْطِهَائِيشْ، تَقْلِيْدِ نَمُوْدَنْ دَرِ كَا رَهَائِ عِلْمِي بُوْدِ!

۴ دَا نَشِ اَمُوْزِي رَا نَمِي بَذِيْرْفَتِ، مَگَرِ بَا شَرْطِهَائِي وَ اَزِ اَنْ شَرْطِهَا، عَدْمِ تَقْلِيْدِ دَرِ اَمُوْرِ عِلْمِي بُوْدِ!

۱۴۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

«أَشْعَةُ الْقَمَرِ الَّتِي ظَهَرَتْ، جَعَلَتْ السَّمَاءَ مَنْظَرًا يَخْلُبُ الْقُلُوْبِ!»:

۱ پَرْتُو هَائِ مَاهِي كَهْ اَشْكَارْ شُدِ، اَسْمَا نِ رَا صَحْنَهَائِ قَرَارِ دَا دِ كَهْ دَلِ هَا شِيْفْتَهْ مِي شُدَنْدِ!

۲ پَرْتُو مَاهِ كَهْ اَشْكَارْ شُدِ، اَسْمَا نِ رَا صَحْنَهَائِ قَرَارِ دَا دِ كَهْ دَلِ هَا رَا رِبُوْدِ!

۳ دَلِ هَا شِيْفْتَهْ شُدَنْدِ وَقْتِي پَرْتُو هَائِ مَاهِ كَهْ اَسْمَا نِ رَا صَحْنَهَائِ قَرَارِ مِي دَا دِ، ظَا هِرْ شُدَنْدِ!

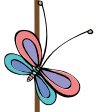
۴ پَرْتُو هَائِ مَاهِي كَهْ اَشْكَارْ شُدِ، اَسْمَا نِ رَا صَحْنَهَائِ قَرَارِ دَا دِ كَهْ دَلِ هَا رَا مِي رِبُوْدِ!

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد گنجی

۱۵۰ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:

- ۱ صغار العصفور ما خرجت من عشّها : گنجشک‌های کوچک از لانه خارج نشدند.
- ۲ إلی أن رجعت أمّها من الصحراء مع الطّعام : تا این که مادر با غذا از صحرا آمد.
- ۳ العصافیر الصّغيرة تملك الثقة بالنفس كأُمّها : گنجشک‌های کوچک اعتماد به نفس مادر را دارند.
- ۴ و لا تخاف من تهديدات صاحب المزرعة! : و از تهدیدهای صاحب مزرعه نمی‌ترسند!





# پاسخنامه تشریحی

۱ ☆ گزینه ۲ در گزینه ی ۱ کسب نموده است و کارش و شب زنده داری کرده است غلط است.

در گزینه ی ۳ مقام والایی رسیده اند و کارهایشان نادرست است.

در گزینه ی ۴ دوست من و با استقامت است و تا صبح بیداری کشیده غلط است.

۲ ☆ گزینه ۱ کان همراه مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود. (رد گزینه ی ۲ و ۳) در گزینه ۳ و ۴ موصوف و صفت حیوانات نادر نادرست آمده است. همچنین در گزینه های ۲ و ۳ و ۴ ضمیر متصل ه که سلاحه است ترجمه نشده است و ضمیر ه در گزینه ی ۴ برای کتب به کار رفته است.

۳ ☆ گزینه ۴ بررسی سایر گزینه ها:

ظواهر ها الخَلَابَة = اسم + ضمیر متصل + اسم ال دار + یک ترکیب اضافی و وصفی است از طرف دیگر ظواهر جمع مکسر "ظاهر" است = رد گزینه های ۱ و ۲ که "ظاهر" ترجمه شده است. قَلْبُهُ = ضمیر دارد در گزینه ی ۳ "دل" بدون ضمیر آمده که غلط است.

۴ ☆ گزینه ۱ کانت قد دَعَت (معادل ماضی بعید): «دعوت کرده بود»، که فقط در دو گزینه ذکر شده است در ۱ و ۳ در گزینه ۳ «مدرسه ی ما» خطا و ترجمه نشدن ضمیر در «صدیقانی» خطا می باشد.

۵ ☆ گزینه ۲ زیرا اخذتَنی دارای نون وقایه است پس ضمیر "ی" متکلم در نقش مفعول است که فقط در گزینه ی ۱ و ۲ رعایت شده است در گزینه ی ۱ ترتیب جمله خوب رعایت نشده است.

۶ ☆ گزینه ۱ پنج صفحه: خمس صفحات، چهار سال: أربع سنوات، که در گزینه های ۲ و ۴ نادرست آمده است و در گزینه ی ۳ «الصفحات الخمسة» و «صفحة الأخيرة» نادرست است. در گزینه ۲ رابع و در گزینه ۳ و ۴ خامسة اعداد ترتیبی هستند و به ترتیب چهارم - پنجم - پنجم معنا می دهند که با اعداد اصلی صورت سوال هم خوانی ندارد.

۷ ☆ گزینه ۲ جمله ی كَثُرَ فِيهِ مَقَادِيرُ كَثِيرَةٌ مِنَ الْبُرُوتَيْنِ جمله وصفیه برای اسم نکره ی «غذاء» در سایر گزینه ها جمله ی وصفیه بکار نرفته است.

۸ ☆ گزینه ۴ تصور می کردند...

كان... يَتَطَوَّنُونَ: تصور می کردند، يستطیعُونَ: می توانند، اُنْ يَقْتُلُوا: بقتل برسانند، لكن: ولی

۹ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۱ «يطالع...» جمله ی وصفیه، در گزینه ۲ «المريض» و در گزینه ۳ «السريعة» صفت می باشند.

۱۰ ☆ گزینه ۲ قدحاول: تلاش کرده اند، مَلَى بِالظلم: مملو از ظلم شده است. از خطاهای بارز سایر گزینه ها: (۱) مسلمانان فراوانی (۳) تلاش بسیاری را (۴) بسیاری

۱۱ ☆ گزینه ۱ إذا: هنگامی که، قطرات الماء الصغيرة: قطرات کوچک آب، ظاهرة: پدیده.

از خطاهای بارز سایر گزینه ها:

گزینه ی ۲) شعاع خورشیدی

گزینه ی ۳) آب های، شکسته شده، جلوه ی ظاهری

گزینه ی ۴) قطره های آب کوچک، قصبه ی

۱۲ ☆ گزینه ۴ زیرا کانت ماضی است و یواصلون مضارع است پس:

مضارع بعد از ماضی ← ماضی استمراری (رد گزینه های ۱ و ۲ و ۳)

به ترتیب: بیمایند - طی می کنند - می پیمایند

۱۳ ☆ گزینه ۱ فعل «بیشرفت می کند» که «سومین شخص مفرد» مضارع تتقدَّم است فقط در گزینه ۱ آمده است. ضمیر خود در زندگی خود ترجمه نشده است. (رد گزینه ۲ و ۴). استفاده از أكثر استحکاماً در گزینه ۳ غلط است.

۱۴ ☆ گزینه ۴ تعلَّمی ... در گزینه ی «قطره»، و ترجمه نشدن «بنگر» و «أحدثت» به صورت ماضی و «صخرة» به صورت نکره و در گزینه ی ۲ «إِغْلَم» و «أحدثت» به صورت ماضی «صخرة» به صورت نکره و در گزینه ی ۳ «تعلَّمت» به صورت ماضی و «التقب» به صورت معرفه از موارد نادرست است.

۱۵ ☆ گزینه ۲ الشَّباب: جوانان (مفرد آن، الشَّابُّ به معنی: جوان) / خَاصَّةً: مخصوصاً / الشَّيْب: پیری.

۱۶ ☆ گزینه ۱ در ترجمه به فعل ها و صیغه آن و زمان آن توجه کنیم معانی ضمیرهای مستقل در ترجمه مهم است. جنت: آدم/ شاکراً: با سپاس / لأتكلّم: تا سخن بگویم / حول: درباره ی / مشاکلی الدرسيّة: مشکلات درسی خودم

۱۷ ☆ گزینه ۳ ترجمه ی صحیح عبارت در این گزینه، این گونه است: «تو در کارهایت با پشتکار باشی، به هدف هایت می رسی».

۱۸ ☆ گزینه ۴ يَرْمُونَ: پرتاب می کنند / الحجر: سنگ (را) / من كلِّ صوب: از هر جهت

۱۹ ☆ گزینه ۴ ظلياً اسم نکره، و جمله ی يَحْسِبُ الْجَمَالَ که بعد از اسم نکره قرار گرفته و زاید است، جمله ی وصفیه می باشد.

(در سایر گزینه ها، جمله ی وصفیه وجود ندارد).

۲۰ ☆ گزینه ۲ (باید به فرهنگ بیگانگان ... ) يجب= باید / أن لا نسبح= که اجازه ندهیم / ل = به / ثقافة الأجانب = فرهنگ بیگانگان / أن تدخل= که وارد شود/ فی شؤوننا الاجتماعية...= در امور اجتماعی ما... .

۲۱ ☆ گزینه ۴ لا أتبع = تبعیت نمی کنم / شيئاً = چیزی / إلا = جز / ما = آن چه که / أوحى (فعل ماضی است به معنی): وحی کرد، وحی کرده است/ إني = به من

۲۲ ☆ گزینه ۳ زیرا این جمله شرطی است و فعل های شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می شوند، حتی اگر ماضی باشند.

۲۳ ☆ گزینه ۱ المَوَلَّاتُ الْإِسْلَامِيَّةُ : تألیفات اسلامی / سَيَزِيدُ عَدَدُهَا أَكْثَرَ مِنْ مَائَتِينَ : به بیش از دویست تا افزایش پیدا خواهد کرد / تَحْوِي آراءَ بَدِيعَةٍ : که شامل نظرانی ابتکاری است / فی مختلف العلوم و الفنون : در علوم و هنرهای مختلف.

۲۴ ☆ گزینه ۲ صَدِيقَكَ الْحَقِيقُ هُوَ الَّذِي : دوست واقعی تو کسی است که (هُوَ در اینجا ضمیر فصل یا ضمیر عماد است که برای تأکید آمده است) / يَفُفُّ إِلَى جَانِبِكَ : در کنار تو می ایستد / عِنْدَ الشَّدَائِدِ : هنگام سختی ها

۲۵ ☆ گزینه ۱ لَمَّا = هنگامی که / اِنْتَشَرَ = منتشر شد / خیر انتصار الْمُسْلِمِينَ = خیر پیروزی مسلمانان / هُنَّ النَّاسُ = مردم تبریک گفتند / الْمُقَاتِلِينَ = به رزمندگان

۲۶ ☆ گزینه ۴ اِنَّ النِّجَاحَ لَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ جَاهِزاً : موفقیت، آماده از آسمان فرود نمی آید / الْوَصُولُ اِلَيْهِ يَسْتَلْزِمُ تَحْمُلَ الشَّدَائِدِ : رسیدن به آن، مستلزم تحمل سختی ها است.

۲۷ ☆ گزینه ۱ يا طالب العلم ← ای جوینده ی علم - يَتَّبِعِي لَكَ ← برای تو شایسته است

اَنْ تَتَخَلَّقَ بِالْحِلْمِ وَالْوَقَارِ ← که به بردباری و متانت آراسته شوی

۲۸ ☆ گزینه ۱ در گزینه ۲ یادگیری - همه ی اماکن ، در گزینه ی ۳ تنها در دین اسلام - همه ی اماکن ، در گزینه ۴ گرفتن علم و دانش از موارد نادرست می باشد .

لَيْسَ اِكْتِسَابُ الْعِلْمِ فِي الْإِسْلَامِ إِلَّا فَرِيضَةً ← کسب علم در اسلام فقط یک فریضه است، ترجمه می شود.

کل مکان ← هر مکانی

۲۹ ☆ گزینه ۳ «هر انسانی در گروهی آن است که به دست آورده است، با توجه به مفهوم این آیه گزینه ۳ به آن نزدیک تر است» هر کس کار شایسته انجام دهد به نفعش است و هر کس بدی کند به ضررش می باشد،

۳۰ ☆ گزینه ۲ در گزینه ۱ کان - القرآنیة ، در گزینه ی ۳ کانت - اللغة باید بدون ال بیاید چون مضاف است و باید جمع باشد.

در گزینه ۴ كَان يَفْتَحِرُ از موارد نادرست است.

۳۱ ☆ گزینه ۲ «النعم، جمع النعمة» که در گزینه ۱ و ۳ مفرد معنا شده است و در گزینه ۴ بدن ها به صورت اجسام ترجمه شده است که نادرست است.

۳۲ ☆ گزینه ۱ مفاهیم القرآن القیمة: مفاهیم ارزشمند قرآن. يُقْرَأُ فَعْلٌ مَجْهُولٌ است و خوانده می شود درست است.

۳۳ ☆ گزینه ۲ حُصَصَتْ: اختصاص یافته بود (فعل مجهول)، جائزتان: ۲ جایزه، حکمت: داوری کردم. موصوف و صفت در فارسی باید پشت سر هم بیایند.

۳۴ ☆ گزینه ۴ بررسی موارد در سایر گزینه ها: ۱- در همه ی فتنه ها (در فتنه ها) پرچم شیطان بالا برده می شود، ۲- نحوه ی تغییر (چگونه تغییر کرده اند)، ۳- با کارهای (در کار) به سختی بیندازد. فعل شرط مضارع التزامی معنی می شود.

۳۵ ☆ گزینه ۴ صورت صحیح برخی خطاها: (۱) دل های ما (در دل ها)، (۲) ما او را فراموش نمی کنیم (او ما را فراموش نمی کند)، (۳) زمینی و آسمانی (زمین و آسمان)

۳۶ ☆ گزینه ۳ اکبر: بزرگ ترین / شاهدت: دیدم . همچنین فعل را به صورت ماضی نقلی ترجمه کرده است که اشتباه است.

۳۷ ☆ گزینه ۲ ترجمه ی صورت سؤال: «شاید از چیزی کراهت داشته باشید و خداوند خیر بسیاری در آن قرار داده باشد، که به مفهوم گزینه ی ۲ نزدیکتر است» خیر در آن چیزی است که اتفاق افتد،

۳۸ ☆ گزینه ۴ گزینه ی ۱ «تذهب» جمله وصفیه برای سیارة گزینه ۲ «لا توصف» جمله وصفیه برای بسرعة گزینه ی ۳ «يخلو» جمله وصفیه برای طریقا

۳۹ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۱ (هشت)، در گزینه ۲ (شش) و در گزینه ۴ (داده شده) از موارد نادرست می باشند.

۴۰ ☆ گزینه ۲ بررسی موارد در سایر گزینه ها: در گزینه ی ۱ - (ناراحت شدم، درس هایم)، در گزینه ی ۳ - (ملاحظه نمی کردم) و در گزینه ی ۴ - (مشاهده نکرده بودی) از موارد نادرست است.

۴۱ ☆ گزینه ۴ بررسی موارد در سایر گزینه ها: در گزینه ۱ - فعل مضارع «يوقر» و در گزینه ۲ - فعل مؤنث «وقرت» و در گزینه ۳ - آمدن «کان» از موارد نادرست است. زیرا فعل ماضی نقلی است و باید با قد بیاید.

۴۲ ☆ گزینه ۳ بررسی موارد در سایر گزینه ها: در گزینه ی ۱ - «حاولوا» امر حاضر است و نیاز به قید «باید» ندارد، در گزینه ی ۲ - «الكثيرة» صفت برای «أعمال» آمده و در گزینه ی ۴ - «الكثيرة» صفت برای «امور» آمده که همگی نادرست است.

۴۳ ☆ گزینه ۱ بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه ی ۲ - (الجميلة) صفت مفرد و در گزینه ی ۴ - (لم يستطع) جمله ی وصفیه برای (مسألة) و در گزینه ی ۳ - (لم نلتفت) جمله ی وصفیه برای (صورة) می باشد.

۴۴ ☆ گزینه ۱ نرجو: امیدواریم / يُوقَفُ: موفق گرداند

۴۵ ☆ گزینه ۱ «جاهد» که فعل امر حاضر و مفرد مذکر است و با فعل مضارع مجزوم «تنتصری» که مفرد مؤنث است، هماهنگ نیست.

۴۶ ☆ گزینه ۴ جمله ی یَجْتهدُ فی اَعْمالِ الْخَيْرِ جمله ی وصفیه و موصوف آن اسم نکره ی «فرد» می باشد.

۴۷ ☆ گزینه ۱ در گزینه ی ۲) از مالتان صحیح است که حرف از ترجمه نشده است. در گزینه ی ۳) خواهد بود و بی شک خطا می باشد و در گزینه ی ۴) نتواند خطاست.

۴۸ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۴ دوستان ما: أَصْدِقَاؤُنَا، در کلاسما: فی صَفْنَا، همگی: جَمِيعُهُم، به دو زبان: بِلِغَتَيْنِ اِثْنَتَيْنِ. در گزینه ۱ اِثْنَتَيْنِ را قبل از لفتین آورده است. در گزینه ۲ لغت را به صورت مفرد آورده است و در گزینه ۳ فعل یتکلمون در اول جمله آمده و باید به صورت مفرد (يَتَكَلَّمُ) بیاید، زیرا فاعل آن «أصدقاء» ذکر شد.

۴۹ ☆ گزینه ۴ متعلمة برای ضمیر نحن نادرست است، زیرا ضمیر نحن برای مثنی یا جمع می آید.

۵۰ ☆ گزینه ۴ در گزینه ی ۴: «لا تُحَقِّرْ» فعل نهی است (تحقیر مکن) / «لا تَسْمَعْ» فعل نهی (اجازه نده) / «لا تَتَحَكَّمْ» مضارع التزامی (حاکم شود)

در گزینه ۱ «حقیر نمی شماری» و در گزینه ۲ «سودهای شخصی» با تواضع زندگی کن، و در گزینه ۳ کلمه ی «مرفوع» که به صورت «فعل» ترجمه شده است، نادرست می باشند.

۵۱ ☆ گزینه ۴ تَنْفِرُ در این گزینه مفرد مؤنث است و لذا ضمیر متصل به آخر الأَخ باید مؤنث باشد و به صورت لأخِيها بیاید.

۵۲ ☆ گزینه ۲ زیرا المجتهدون صفت الطلاب است و الأعمال که جمع غیر عاقل است، موصوف برای الصعبة آمده است و درست است.

۵۳ ☆ گزینه ۱ کلمات کلیدی: انزعجتُ / من بعض أعماله / كانت تسبب / لم يهتم

مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: انزعجتُ: ناراحت شدم؛ فعل ماضی اولین شخص مفرد

رد سایر گزینه ها: من بعض أعماله: از بعضی از کارهایش؛ اولا حرف جر «من» باید در ترجمه بیاید، ثانیاً: ضمیر «ه» در أعماله باید ترجمه شود. رد گزینه های (۲) و (۴) / كانت تسبب: سبب می شد؛ فعل مضارع به همراه كانت (به صورت ماضی استمراری) می + ماضی ترجمه می شود. (رد گزینه های ۲ و ۳ و ۴)

۵۴ ☆ گزینه ۳ مجوبید: لا تطلبوا، لا تطلن فعل نهی است اگر مذکر باشد باید نون آن حذف شود و با توجه به منادا باید جنس آن تعیین شود. (رد سایر گزینه ها) در گزینه ی ۱ حرف نون حذف نشده است. در گزینه ی ۲ و ۴ منادا و فعل از نظر جنس با هم مطابقت ندارند. همچنین کلمه علم مفرد است که در گزینه های ۱ و ۴ به صورت علوم و جمع ترجمه شده است.

۵۵ ☆ گزینه ۱ نقش کلمه داخل جای خالی، مبتدا و مرفوع است که با توجه به کلمه بعد از جای خالی که «طالبان» یک اسم مثنی است، احتیاج به ضمیری داریم که برای اسامی مفرد نباشد پس گزینه نامناسب «أنا» است زیرا فقط برای مفرد به کار می رود. ضمیر متکلم مع الغیر «نحن» برای مثنی و جمع به طور یکسان به کار می رود.

۵۶ ☆ گزینه ۳ «یقین المؤمن: یقین مؤمن» ترکیب اضافی است. (رد گزینه های (۱) و (۲))

«كأنه ضوء الشمس: چون (آن) نور خورشید است» [رد گزینه های (۲) و (۴)]

«يُزِيل: از بین می برد» [رد گزینه های (۲) و (۴)]

۵۷ ☆ گزینه ۴ «قلوب الآخرين: دل های دیگران» [رد گزینه ی (۱)]

«يحرق: می سوزاند» [رد گزینه های (۲) و (۳)]

«زهرأ مهلكاً: زهری کشنده، نکره است، باید با «ی» وحدت یا نکره ترجمه شود. [رد گزینه ی (۲)]

«تحتة: زیر آن» [رد گزینه های (۱) و (۲)]

«مخبوء: پنهان» [رد سایر گزینه ها]

۵۸ ☆ گزینه ۲ فعل های كُتِبَتْ و كُتِبَ در گزینه های ۳ و ۴ مجهول آمده است که نادرست است و کلمه هَذِهِ در گزینه ۱ ذکر نشده است که غلط است.

۵۹ ☆ گزینه ۴ الابتسام علی الحیاء یعنی خندیدن بر زندگی یا لبخند زدن به زندگی که در گزینه ۲ و ۳ غلط آمده است و در گزینه ۱ ترجمه معادل الامورالعظيمة نیامده است.

۶۰ ☆ گزینه ۱ كانت قَدْ صنعت معادل ماضی بعید است یعنی ساخته بودند که فقط در گزینه ۱ آمده است و بقیه گزینه ها غلط است.

۶۱ ☆ گزینه ۱ (حاصل نخواهد شد) معنای (لا يتحققان) نیست که گزینه ۲ غلط می شود. مقامات بلند در گزینه ۴ معادل ندارد و (مجاهدة مستمرة و طويلة) یعنی (مبارزه دائمی و طولانی) که در گزینه ۳ درست ترجمه نشده است.

۶۲ ☆ گزینه ۴ با توجه به عبارت داده شده که می گوید: هر کس طمع به زیاد داشته باشد به کم دست پیدا نمی کند. در گزینه های دیگر در این خصوص صحبت نشده است. ترجمه عبارت: هر کس به بسیار طمع کند، کم را (هم) به دست نمی آورد.

مفهوم بیت گزینه ۴ و عبارت سؤال این است که انسان حریص هر چه بیشتر حرص بورزد کم تر به خواسته اش می رسد.

۶۳ ☆ گزینه ۲ تقویت می کند: یَقْوَى؛ فعل مضارع اخباری است و بدون «کان» می آید. (رد گزینه ۳)

روژه ماه رمضان: صوم شهر رمضان؛ ترکیب اضافی است (رد گزینه های ۳ و ۴)

مفهوم صبر: مفهوم الصبر؛ کلمه «مفهوم» فقط در گزینه ی ۲ ذکر شده است. (رد سایر گزینه ها)

در گزینه ی ۱ اشاره شده است که روژه ماه رمضان به انسان صبر را یاد می دهد، در حالی که در متن فارسی به صورت مجهول آمده است (رد گزینه های ۱ و ۴)

۶۴ ☆ گزینه ۲ «كان فيه العلم متروكاً» جمله وصفیه است که موصوف «زمن» را توصیف می کند.

ترجمه: مسلمانان پرچم علم را در زمانی حمل کردند که در آن علم در سرزمین اروپا متروک بوده است! بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: «هو قد جلس» و «یطلب» بعد از اسم نکره نیامد. ترجمه: در راهم بر مرد سن داری گذشتم در حالی که بر زمین نشسته بود و کمک می خواست!

گزینه ۳: «إعمل» معطوف است. ترجمه: آیات قرآنی را بخوان سپس به آن عمل کن، زیرا عمل به قرآن اساس موفقیت است!

گزینه ۴: «هی تَعَلَّمنا» بعد از اسم نکره نیامد. ترجمه: ورزش برای او فایده زیادی دارد در حالی که اخلاق عالی در زندگی را به ما می آموزد!

۶۵ ☆ گزینه ۲ وَضَعَ العلماء: دانشمندان تألیف کردند / معاجم مهمّة: فرهنگ های لغت مهم / عدیدة: متعدد

۶۶ ☆ گزینه ۱ «الغد المضيء» موصوف و صفت و معرفه است.

بنابراین گزینه های ۲ و ۳ و ۴ که «الغد» را «فردایی» یعنی به صورت نکره ترجمه کرده غلط است.

به علاوه «الغد المضيء» که موصوف و صفت است نباید به صورت مبتدا و خبر یعنی همراه با فعل «است» ترجمه شود. (رد گزینه های ۲ و ۳ و ۴)

۶۷ ☆ گزینه ۲ رد سایر گزینه ها:

ضمیر + بِحَاجَةٍ = أَنَا بِحَاجَةٍ = من احتیاج دارم. أَنْتَ بِحَاجَةٍ = تو احتیاج داری = درخواست کرده ایم.

تَعَلَّمْنَا = تَعَلَّمَ + نا = مفعول به است "یاد بدهد به ما" (رد گزینه های ۱ و ۳ زیرا در این گزینه ها "ما" (نا) به صورت فاعل ترجمه شده است.)

"الدروس" بدون ضمیر است که به غلط در گزینه ۴ "درس هایمان" همراه با ضمیر ترجمه شده است.

۶۸ ☆ گزینه ۲ بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

- ۱) مَنْ از ادات شرط است پس نباید به صورت موصول «کسی که، کسی» ترجمه شود علاوه بر این «ولی» مفرد است و نباید به صورت جمع اولیا ی ترجمه شود  
۲) آنکه ترجمه‌ی درستی برای «مَنْ» شرطیه نیست «قَتَلَ» فعل مجهول است نباید به صورت مصدری «قتل او» ترجمه شود به علاوه «جَعَلْنَا ..... سلطاناً» به غلط به صورت «سلطنت می‌بخشیم» ترجمه شده است.  
۳) «کسی که» برای «مَنْ» شرطیه ترجمه‌ی درستی نیست و «قدرتمند ساخته‌ایم» ترجمه‌ی درستی برای «جَعَلْنَا ..... سلطاناً» نمی‌باشد. زیرا ترجمه‌ی جواب شرط باید به صورت مضارع اخباری باشد.

۶۹ ☆ گزینه ۳ رد گزینه‌های دیگر:

- «اشعة القمر الفضية» یک ترکیب اضافی وصفی است و «الفضية» صفت برای «اشعة» می‌باشد پس ترجمه‌ی دقیق آن به فارسی «اشعه‌ی نقره‌ای رنگ ماه» می‌باشد (رد گزینه‌ی ۱ و ۴)  
«ماه نقره‌ای رنگ»  
«قلوبنا» دارای ضمیر است (رد گزینه‌ی ۲) زیرا «دلها» بدون ضمیر ترجمه شده است.

۷۰ ☆ گزینه ۱ رد گزینه‌های دیگر:

- «عصر کنونی ما» یک ترکیب اضافی وصفی است که در عربی مضافٌ الیه یعنی «نا» قبل از صفت یعنی «کنونی» می‌آید (رد گزینه‌های ۲ و ۳)  
«عصر حاضرنا» در ۲ و «العصر الحاضر» در ۳ نادرست است زیرا «نا» در «العصر الحاضر» ترجمه نشده است.  
«ابتکارهایی» نکره است «الابداعات» در گزینه‌های ۲ و ۴ به صورت معرفه و نادرست است.  
به علاوه «اجتماعی و مختلف» در عبارت نقش صفت را برای شوونات ایفا می‌کند و چون «شوونات» جمع غیر عاقل است صفت باید به صورت مفرد مونث بیاید (رد گزینه‌ی ۳) و رد گزینه‌ی ۴ «للاجتماع»

۷۱ ☆ گزینه ۳ زیرا «عَمِلَ» نکره است و جمله‌ی «يَنْفَعُ النَّاسَ كُلَّهُمْ» جمله‌ی وصفیه است.

۷۲ ☆ گزینه ۲ «هوى» مفرد است، در گزینه‌ی ۱ «او» به غلط جمع ترجمه شده، «ضرر» مفرد است در گزینه‌ی ۴ «به غلط جمع ترجمه شده است.

۷۳ ☆ گزینه ۱ کلمات کلیدی: «هذه الأيام الماطره»، «أشاهد»، «ألوانها الجميلة»

مقایسه کلیدها در گزینه‌ها:

- «هذه الأيام الماطره»: این روزهای بارانی؛ اولاً «هذه» باید ترجمه شود. ثانياً «الأيام الماطره» ترکیب وصفی است و «الماطره» صفت مفرد است و به صورت «بارانی» ترجمه می‌شود. (رد سایر گزینه‌ها)

«أشاهد»: مشاهده می‌کنم. (رد سایر گزینه‌ها)

«ألوانها الجميلة» رنگ‌های زیبای آن؛ ضمیر «ها» و «الجميلة» باید در ترجمه گزینه‌ها باشد (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

۷۴ ☆ گزینه ۲ کلمات کلیدی: «في انتهاء ممر مدرستنا» / «نافذة تفتح»

مقایسه کلیدها در گزینه‌ها:

«في انتهاء ممر مدرستنا»: در انتهای راهرو مدرسه ما: ترکیب اضافی هستند که پشت سر هم باید ترجمه شوند. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

«نافذة تفتح»: پنجره‌ای است که باز میشود؛ اولاً «تفتح» جمله وصفیه است و قبل از آن «که» می‌آید؛ ثانياً فعل مضارع است. (رد سایر گزینه‌ها)

- ۷۵ ☆ گزینه ۲ «قد أمرنا الله: خدا به ما دستور داده، ماضی نقلی است (رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴) / «أن نتفع منها: که از آن استفاده کنیم» مضارع منصوب مضارع التزامی (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۷۶ ☆ گزینه ۴ «الوحوش: حیوانات وحشی» (رد گزینه‌ی ۱) / «لما إقتربت: هنگامی که نزدیک شد» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «نحو شجرة: به طرف درختی» (رد گزینه‌ی ۳)

۷۷ ☆ گزینه ۲ پاسخ: نمی‌توانست؛ ما کان يستطيع: ما کانت تستطيع: (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «وارد کرده است: قد أدخل» (رد گزینه‌ی ۳) / «آرامش: السكينة» (رد گزینه‌ی ۳)

- ۷۸ ☆ گزینه ۱ «هذا ذو حاجة: این نیازمندی است، باید نکره باشد» (رد گزینه ۴) / «هؤلاء الناس: این مردم» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) لم يساعده باید ماضی منفی ترجمه شوند. (رد گزینه‌ی ۲ و ۳)

۷۹ ☆ گزینه ۲ «شاهدتني: مرا مشاهده کرد» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لما: هنگامی که» (رد گزینه‌های ۳) / «تَسَحَّت: جا باز کرد» (رد گزینه‌های ۴)

- ۸۰ ☆ گزینه ۳ «آیات متعدد: آیاتاً متعدّدة» (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «در وصف: فی وصف» (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «سروده است: قد أنشد، قد أنشدت» (رد گزینه‌های ۱ و ۴)  
در گزینه ۴ فعل مذکر است ولی فاعل (هذه) مؤنث است.

۸۱ ☆ گزینه ۲ «یرید: می‌خواهد (فعل مضارع) «الله»: خداوند / «یکم»: برای شما، برایتان / «اليسر»: آسانی / «لا یرید: نمی‌خواهد (فعل مضارع منفی) / «العسر»: سختی (مفرد)

۸۲ ☆ گزینه ۳ «لا یفرح»: خوشحال نمی‌کند / «القلب الذی»: قلبی که / «لا یتهج ب...»: با...شادمان نمی‌شود / «فرح طفل»: شادی کودکی (مضاف + مضاف الیه نکره)

۸۳ ☆ گزینه ۴ «بعض الأحيان»: بعضی وقت‌ها / «توصلنا»: ما را می‌رسانند / «الكلمات الوجيهة»: کلمات مختصر / «إلى حقيقة الأمور»: به حقیقت امور  
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «دوستم را از مسخره کردن دیگران باز داشتم!» صحیح است.

گزینه ۲: «برای دوستم نزد خودم جا باز کردم و او را کنارم نشاندم!» صحیح است.

گزینه ۳: «آیا می‌دانی چرا اسلام دانشمندان را در به دست آوردن علوم تشویق می‌کند؟!» صحیح است.

۸۴ ☆ گزینه ۳ مهمانی با آن که آخر آن «ی» متصل شده است، اسم معرفه است ولی «ی» نشانه‌ی مصدری است نه «یاء» نکره بودن به همین دلیل معادل عربی آن «الضيافة» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «الحاضرين ← الحاضرین» فاعل است و باید مرفوع باشد، «راز پیچیده‌ای، نکره است و نباید «ال» بگیرد.

گزینه‌ی ۲: «یتحدّثون» مضارع است (حرف می‌زنند).

گزینه‌ی ۴: «ضیافه»: یک مهمانی (نکره): «السّر الغامض»: راز پیچیده (معرفه): «الحاضرين» مبتدا است و باید مرفوع باشد (الحاضرون).

۸۵ ☆ گزینه ۴ «لِلفّاحین...»: کشاورزان ... دارند / «وجه أَسمر»: صورتی گندم‌گون / «یدان»: دستانی، دو دست / «خشتان»: زبر / «هذا بسبب»: این به دلیل / «أعمالهم الصّعبة»: کارهای

(جمع) سختشان. «ل» اسم یا ضمیر ← دارد،

۸۶ ☆ گزینه ۴ «امروزه»: اليوم / «حرکت زمین»: حركة الأرض / «تا قرن‌های اخیر»: حتّى القرون الأخيرة / «برای انسان»: على الإنسان / «ناشناخته بوده»: كانت مجهولة / «برکسی»: علی أحد / «پوشیده نیست»: ليست مخفیة

۸۷ ☆ گزینه ۴ «دو بال علم و دین»: جناحی العلم والدّین / «تا پیشرفت کنیم»: حتّى تتقدّم / «زندگیمان»: حیاتنا

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «ثروت‌های شما: ثرواتکم (جمع)

گزینه‌ی ۲: «هذا ← هذه (مؤنث) / لایأس ← لاتیأس (مؤنث)

گزینه‌ی ۳: «الأخرون ← الآخرين (جمع مذکر سالم در حالت جر علامت فرعی «باء» می‌گیرد.

۸۸ ☆ گزینه ۱ «سافران»: سفر (مسافرت) کردیم / «فی آیام الصّیف الماضي»: در روزهای تابستان گذشته / «المناطق المختلفة» (معرفه): مناطق گوناگون / «لشاهد»: تا ببینیم / «مناظر

جمیله» (نکره): صحنه‌های زیبایی، صحنه‌هایی زیبا / «تمتّعنا كثيراً»: بسیار بهره‌مند شدیم / «بهذه المناظر»: از این مناظر

۸۹ ☆ گزینه ۴ «لم یترک»: ترک نکرد، رها نکرده است / «شیئاً»: چیزی را / «یحتاج إلیه»: (در این جا) بدان احتیاج دارند / «عباده»: بندگانش / «هو: آن (قرآن)»: «دلیل علی»: راهنمایی

به- دلیلی است بر / «خیر سبیل»: بهترین راه

۹۰ ☆ گزینه ۴ «لن»: فعل مضارع را به مستقبل منفی تبدیل می‌کند «لن نشاهد» نخواهیم دید.

۹۱ ☆ گزینه ۱ «آیه‌ی داده شده به این مطلب اشاره دارد»: هر چه را پیشاپیش برای خود بفرستید آن را نزد خدا می‌یابید.

که این با آیه‌ی گزینه‌ی ۱ «که اشاره دارد به این که هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای خوبی کند آن را می‌بیند.» تناسب دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «و خدا به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.» با آیه‌ی صورت سؤال هم مفهوم نیست.

گزینه‌ی ۳: «خودتان را محاسبه کنید پیش از آن که محاسبه شوید (به حساب شما رسیدگی شود)» با آیه‌ی صورت سؤال هم مفهوم نیست.

گزینه‌ی ۴: «آیا ندانسته‌ای که خدا بر هر چیزی تواناست» با آیه‌ی صورت سؤال هم مفهوم نیست.

۹۲ ☆ گزینه ۱ «بر خلاف مواد قندی دیگر»: علی خلاف السکریّات الأخری، بنابراین گزینه‌های ۲ و ۳ نادرست‌اند. زیرا السکریّات جمع غیرعاقل است و صفت آن باید به صورت

مفرد مؤنث یعنی «أخری» بیاید. «خاصیت‌های زیادی»: خواصّ کثیرة، بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست‌اند. «ارزش غذایی‌اش: قیمته الغذائية»، بنابراین گزینه ۲ و ۴ نادرست‌اند. «برای مدتی طولانی: لمّدة طويلة»، بنابراین گزینه ۳ و ۴ نادرست‌اند.

۹۳ ☆ گزینه ۲ «در توبه، باب التوبه ردّ گزینه ۲ و ۳ (توبته) گزینه ۴ (ابواب التوبه) / «بر بنده‌ای که...»: علی العبد الذی / «ناامید نشده است»: لم یقط / «نمی‌بندد، لایغلق

۹۴ ☆ گزینه ۳ «إن»: اگر، چنان‌چه / «قاومّ الفلّسپینیون»: فلسپینی‌ها ایستادگی کنند («قاومّ»: فعل شرط) / «مقابل الغزاة»: در برابر متجاوزان / «بقدره»: می‌تواند (جواب شرط) / «أن

یسترجعوا» باز پس گیرند / «أراضیهم»: سرزمین‌هایشان را

نکته مهم درسی

در جملات شرطی فعل شرط و جواب شرط حتی اگر ماضی باشند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند. که فعل شرط مضارع التزامی جواب شرط مضارع اخباری است.

۹۵ ☆ گزینه ۳ «سَنَقُتُش»: جستجو خواهیم کرد، به دنبال...خواهیم گشت / «آثار طیّی»: نشانه‌های آهوئی / «له»: دارد / «قرون»: شاخ‌هایی (جمع و نکره) / «ثمینیة»: گرانبها، بارزش

(صفت) / «یسکن»: زندگی می‌کند، ساکن است / «منطقه بعیده»: منطقه‌ای دور (موصوف و صفت نکره) / «عنا»: از ما

۹۶ ☆ گزینه ۱ «ماضی+مضارع»: در جملات وصفیه به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «دیدم» در ترجمه‌ی «وجدت» و ترجمه‌ی «الصدیق» به صورت نکره نادرست است.

گزینه‌ی ۳: «مدرسه‌مان»، «یک دوست» و «دور می‌کند» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «تاریکی» و «دور خواهد کرد» نادرست‌اند.

۹۷ ☆ گزینه ۴ «مدارس بسیاری»: مدارس کثیرة (نکره) / «احداث شده است»: قدّ أُحْدِث / «در شهرمان»: فی مدینتنا / «دانش‌آموزان»: التلامیذ، التلامیذات / «کوشا»: المجدون،

المجدّات / «مشغول هستند»: مشغولون، مشغولات / «درس خواندن»: الدراسة / «در آن‌ها»: فیها

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «المدارس الكثیرة»، و «المجدّین» و مشغولین» نادرست‌اند.

گزینه ۲: «المدارس الكثیرة»، و «المدینیة» نادرست‌اند.

گزینه ۳: «المدینیة» و «مشغولون» نادرست‌اند. (خبر مشتق از نظر تعداد و جنس با مبتدایش مطابقت می‌کند.)

۹۸ ☆ گزینه ۱ «ان: اگر / جنگل‌های زیبای کشورمان»: غابات بلادنا الجميلة رد گزینه‌ی ۲ و ۳ زیرا "غابة" مفرد است. / بنگریم: ننظر «شگفتی‌های فراوانی»: عجائب الكثيرة رد

گزینه‌ی ۴ زیرا برای عجائب که جمع غیر عاقل است صفت را مفرد مؤنث می‌آوریم. / در آن: فیها / «خواهیم دید»: سنشاهد

۹۹ ☆ گزینه ۳ «ان: اگر» (رد گزینه‌ی ۲)

«سیلا: راهی» (نکره) (رد گزینه‌ی ۱)

«تُکرشُنی: مرا گرامی می‌داری» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«تجتنبنی: مرا دور می‌کنی» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۰۰ ☆ گزینه ۱ «فواضل (جمع «فاضله»): گسترده‌ها» (رد گزینه‌های ۳ و ۴) - «نعماتک: نعمت‌های تو» (رد گزینه‌ی ۲)

۱۰۱ ☆ گزینه ۱ «ظلمات الوهم: تاریکی‌های خیال» (رد گزینه‌ی ۱ مفرد ترجمه شده است.)

۱۰۲ ☆ گزینه ۱ «این دانش آموز: هذا الطالب. هذه الطالبة»

«کوشا است: مجتهد، مجتهدة» خبر است ولی در سایر گزینه‌ها به صورت صفت به کار رفته است.

۱۰۳ ☆ گزینه ۳ «لما: زمانی که، وقتی که» (رد گزینه‌ی ۲)

«بیته: خانه‌اش» (رد گزینه‌ی ۱)

«کان له: داشت» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۰۴ ☆ گزینه ۳ «المرأة الفقيرة: زن فقیر معرفه است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

لی: دارم (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۱۰۵ ☆ گزینه ۱ «دوستانم را بر تفکر و یادگیری تشویق کن!»

(۳) تألیف مسلمانان در زمینه‌ی پزشکی بسیار زیاد است!

(۴) هر مأمومی امامی دارد از او پیروی می‌کند!

۱۰۶ ☆ گزینه ۳ «عاقل کسی است که: العاقل من ... (رد سایر گزینه‌ها) / تذکر: العاقل الذی: عاقلی که... / آرزوهایش: آماله (رد گزینه‌ی ۲) / تا رستگار شود: حتی یفوز (رد گزینه

های ۱ و ۴)

۱۰۷ ☆ گزینه ۱ «دانشمندان مسلمان: العلماء المسلمون (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / در تمامی حوزه‌های علمی: فی کلّ المجالات العلیمة (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۱۰۸ ☆ گزینه ۱ «إلی: به خانه‌ام» (رد گزینه‌ی ۴)

«رأیت طفلاً... یزید: کودکی را دیدم که می‌خواست (مضارع بعد از ماضی، به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود)» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«لما: هنگامی که» (رد گزینه‌ی ۳)

تذکر

اگر «لما» بر سر فعل ماضی بیاید، «هنگامی که» ترجمه می‌شود و اگر بر سر فعل مضارع مجزوم بیاید، فعل را گذشته‌ی منفی کند. «لما کتب: هنگامی که نوشت» / «لما یکتب: نوشته است»

۱۰۹ ☆ گزینه ۳ «شعيرة: جو» (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

«نملة: مورچه‌ای (نکره)» (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

«إن أعطیت: هر چند به من داده شود (زیرا این از ادات شرط است و به فعل معنای مضارع التزامی می‌دهد)» (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

«و ما فیها: و آن چه در اوست» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۱۰ ☆ گزینه ۲ «أرسلوهم: آن‌ها را بفرستید، زیرا با توجه به حرکت عین الفعل (س) که مکسور است این فعل امر مخاطب است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

«الأکیاس المملوءة: کیسه‌های پُر» (رد گزینه‌ی ۳)

«نرجعهم: آن‌ها را برگردانیم» (رد گزینه‌ی ۴)

۱۱۱ ☆ گزینه ۲ «لم یؤمنوا: ایمان نیاوردند» (لم + مضارع ← ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی)

۱۱۲ ☆ گزینه ۱ «دیدم: رأیت» (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

عبادت می‌کرد: یتعبّد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

آنجا: هناک (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

مردی: رجلاً (رد گزینه‌ی ۳)

به مسجد: إلی مسجد (رد گزینه‌ی ۳)

۱۱۳ ☆ گزینه ۴ «مسافرت می‌کردم: کنتُ أسافر» (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

به مناطق مختلفی (نکره): إلی مناطق مختلفة (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

برای مشاهده: لمشاهدة (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۱۱۴ ☆ گزینه ۱ «اهدافی العالیة: هدف‌های والای من (رد گزینه‌های ۲ و ۳) - کنت تحمّلت: تحمل کرده بودم (رد گزینه‌ی ۲) - مصاعب كثيرة: سختی‌های بسیاری (رد گزینه‌های ۳

و ۴)



۱۱۵ ☆ گزینه ۴ کان بیحث: می گشت (رد سایر گزینه‌ها) - لا یرتکب: مرتکب نمی‌شد (چون بعد از ماضی یعنی «کان» آمده است و مضارع بعد از ماضی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.) (رد گزینه‌های ۲ و ۳) - المعصیة: گناه [معرفه] (رد گزینه‌ی ۲)

۱۱۶ ☆ گزینه ۲ اَتَطَلَّبُ: آیا خواسته می‌شود [مجهول]

۱۱۷ ☆ گزینه ۱ دید: رأی، شاهد (رد گزینه ۲) - سازنده‌ی مسجد: بانی المسجد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) - دیوار مسجد: جدار المسجد (رد گزینه ۲)

۱۱۸ ☆ گزینه ۳ انتخاب کرده بود: کان إنتخب (رد گزینه‌های ۱ و ۴) - تجربه‌های کمی: تجارب قليلة (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) - خودستایی نمی‌کرد: ما کان یمدح نفسه (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۱۹ ☆ گزینه ۲ الذَّنوب: گناهان، و «همه‌ی گناهان» غلط است و همه در ترجمه‌ها اضافه است. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

«أَنْ يُشْرِكَ بِهِ: به او شرک ورزیده شود» (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

۱۲۰ ☆ گزینه ۴ «کان یعتمد: اعتماد می‌کرد» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) زیرا «کان» همراه مضارع، ماضی استمراری است. (توکل می‌کرد) «یتوکل: توکل می‌کرد (چون عطف بر «کان یعتمد» می‌باشد به همان زمان ترجمه می‌شود)» (رد سایر گزینه‌ها)

«قدوةٌ: الگویی (نکره)» (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

تذکر

به دلیل این که «یتوکل» ساکن نیست پس جمله شرطیه نیست.

۱۲۱ ☆ گزینه ۱ «لأساعدَ: برای اینکه کمک کنم» قرینه جمله «خرجت...» می‌باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«خرجت: خارج شدم» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«لتهیئةً: برای تهیه» (رد گزینه ۳) // «أعمالها: کارهایش» (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۱۲۲ ☆ گزینه ۳ «أنا أقدر: من می‌توانم» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) «القربةُ: مشک» زیرا کلمه‌ی آب اضافه ترجمه شده است. (رد گزینه ۲)  
«أسجر: روشن کنم» (رد گزینه‌های ۲ و ۴) «لهم» در گزینه‌های ۱ و ۲ ترجمه نشده است.

۱۲۳ ☆ گزینه ۱ «فلینظر: باید نگاه کند»

تذکر: مصدر را می‌توان به صورت فعل ترجمه کرد ولی باید با حرف جر و فعل بیاید: «عزمت علی الرجوع: تصمیم گرفتم برگردم»

۱۲۴ ☆ گزینه ۱ «نمی‌پذیرد، برفض: لا یقبل» (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «عرضه می‌کند: یعرض» (رد گزینه ۳)

۱۲۵ ☆ گزینه ۲ «به دنبال... بودم: بحثت عن، فُتشت عن» (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

«ترک می‌کرد: یترک» چون جمله وصفیه مضارع است و فعل بعد از ماضی آمده است، ماضی استمراری ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

«پناگاهش: مأمنه» (رد گزینه ۳)

۱۲۶ ☆ گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «ثروات: ثروت‌ها (جمع)» / گزینه ۲: «در کنارش نشستیم» او را در کنارمان نشانندیم / «و به ما خوش آمد گفت» و به او خوش آمد گفتیم / گزینه ۳: «سلاحی»: سلاح / «لصید»: برای شکار

۱۲۷ ☆ گزینه ۴ تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ضمیر «ه» در «عیوبه، باتوجه به عبارت فارسی صورت سؤال، زائد است.

گزینه «۲»: «درس‌هایمان» به صورت «دروسنا» صحیح است، هم چنین «منافع» غیرمنصرف است و نمی‌تواند تنوین بگیرد.

گزینه «۳»: «هذه» در تعریب اضافی است.

۱۲۸ ☆ گزینه ۴ «حَسِبَ: پنداشته‌اند (در این جا)» // «أَنْ یُتَرَکوا»: رها می‌شوند (مجهول) // «لا یُفتنون»: امتحان نمی‌شوند (مجهول)

۱۲۹ ☆ گزینه ۳ «أجبر: مجبور کرد» / «علماء المسیحیة»: دانشمندان مسیحیت / «حول»: درباره / «الدین الإسلامی»: دین اسلام / «أوجب»: واجب کرد / «تعلّم»: یاد گرفتن / «تعلیم»: یاد

دادن

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «جهان»، «در» و «واجب است» نادرست‌اند.

گزینه «۲»: «مسیحی»، «در»، «یاددهی و یادگیری» و «واجب شده است» نادرست‌اند.

گزینه «۴»: «مسیحی»، «تا»، «بیان نکند»، «در»، «یاد دادن و یاد گرفتن»، «علوم»، «بر همه» و «واجب است» نادرست‌اند.

۱۳۰ ☆ گزینه ۴ «فی مسیرنا نحو التقدّم»: در مسیرمان به سمت پیشرفت / «علینا أن نجعل»: ما باید قرار دهیم / «العلماء»: دانشمندان را / «أسوةً لأنفسنا»: الگویی برای خودمان  
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «کنار او نشست» نادرست است.

گزینه «۲»: «نتوانسته کشف کند» نادرست است.

گزینه «۳»: «باز نمی‌گردیم» و «با آن» نادرست‌اند.

۱۳۱ ☆ گزینه ۱ «یکی از کارمندان»: أحد موظفی (موظفی، مضاف است و «نون» آن حذف می‌شود) // «این بیمارستان»: هذا المستشفى / «شش ماه»: ستة شهور (أشهر) / «دنبال ... می

گشت»: کان ... یبحث عن (ماضی استمراری) / «مسکنی متناسب»: مسکن مناسب / «با حقوقش»: لراتبه / «در نواحی مرکزی شهر»: فی النواحي المركزية من المدینة

۱۳۲ ☆ گزینه ۱ «کان ... یستقبلون»: استقبال می‌کردند (ماضی استمراری) / «الأغنياء»: ثروتمندان / «ملوكهم»: پادشاهانشان / «لذلك»: به خاطر آن / «تعجب»: تعجب کرد / «من عملهم»: از کارشان

نکته‌ی قابل توجه در این ترجمه فعل کان با مضارع است که معنی ماضی استمراری می‌دهد. گزینه‌ی ۲ و ۳ با توجه به این فرمول حذف می‌شود. نادرستی گزینه‌ی ۴ این است که کلمه‌ی «بسیار» زائد است.

۱۳۳ ☆ گزینه ۳ «پیاده می‌شدند» و «می‌پرداختند» از ترکیب «کان» + «فعل مضارع» ساخته می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴)؛ ضمیر «وی» در «بزرگداشت وی» به «أمیر» که مفرد مذکر است، برمی‌گردد و ضمیر مناسب آن «ه» می‌باشد نه «هم» (رد گزینه‌ی ۱)؛ «از مرکب‌هایشان» به صورت «من مراکبهم» صحیح است و در گزینه‌ی ۲، «هم» مضاف‌الیه و «مراکب» مضاف است و «ال» نمی‌گیرد. در گزینه‌ی ۴، نیز «المراکب» بدون ضمیر متصل آمده است و نادرست است.

توجه به فعل جمله می‌تواند ما را در گزینه‌ی صحیح یاری کند «پیاده می‌شدند» ماضی استمراری است. در گزینه ۱ «کانوا ینزلن» با یکدیگر مطابقت ندارد. کانوا جمع مذکر و ینزلن جمع مؤنث می‌باشد. گزینه ۲ «کان با ماضی» آمده است ماضی بعید می‌باشد و گزینه ۴ «نزل» ماضی ساده است.

۱۳۴ ☆ گزینه ۲ «تعلمین» از باب تفعیل است و یک حرف زائد دارد.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «یتفاخران» از باب تفاعل و دارای دو حرف زائد است.

گزینه ۳: «نکتسب» از باب افتعال و دارای دو حرف زائد است.

گزینه ۴: «تتعلم و تعلمنا» از باب تفعّل و دارای دو حرف زائد هستند.

۱۳۵ ☆ گزینه ۲ «تعب» فعل امر حاضر للمخاطب از باب افعال است (أتعب - یتعب - إتعاب).

ترجمه‌ی جمله: «جسم را در خدمت کردن به روح به رنج بینداز تا از آن بهره‌مند شوی».

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «تعب» فعل مضارع صیغه‌ی متکلم وحده از باب افعال است (أتعب - یتعب - إتعاب) و معنای عبارت این است که: «چرا خودم را در به دست آوردن مال به زحمت می‌اندازم نه علم؟!»

گزینه ۳: «أقسم» صیغه‌ی متکلم وحده از باب افعال است (أقسم - یقسم - أقسام - قسم خوردن) و معنای عبارت این است که: «به خدای بزرگ قسم می‌خورم: تلاش می‌کنم که کار بدی را انجام ندهم».

گزینه ۴: «أنق» فعل ماضی و صیغه‌ی للفائب از باب افعال است و معنای عبارت این است که: «بخشنده بیچارگان انفاق کرد و از فقر در زندگیش نترسید».

۱۳۶ ☆ گزینه ۳ «تلاش» به ترجمه‌ی عبارت توجه کنید: «رزمنده‌ای که سلاحش را ضد دشمن غاصب حمل کرده است، قهرمانی حقیقی است»

نکته:

۱- خبر، لزوماً بلافاصله بعد از مبتدا نمی‌آید.

۲- اولین عبارتی که بعد از اسم موصول می‌آید، «صله» نام دارد و خبر نیست.

۱۳۷ ☆ گزینه ۲ «هل تقدّر» آیا می‌توانی / «أن تُصدّق» باور کنی / «سائرة»: حرکت کننده‌اند / «کالسحب»: مانند ابرها / «کذلک»: این چنین است / «هُو»: همان / «دوران»: چرخش بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «گمان کنی، حقیقت این است که آن‌ها وعلتش» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «تصور کنی و حرکت زمین» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «تقدّر» و «حرکت‌ها» ترجمه نشده و «ابر و حرکت دارند» نادرست‌اند.

۱۳۸ ☆ گزینه ۳ «أنادی ربّی» پروردگارم را صدا می‌زنم / «استغفره»: از او طلب آمرزش می‌کنم / «کثرة ذنوبی»: بسیاری گناهانم / «احتیاج»: نیاز دارم / «ستر ذنوبی»: پوشاندن گناهانم / «غفران»: آمرزیدن، بخشیدن

۱۳۹ ☆ گزینه ۲ «بعد ما» بعد از این که / «هبط الإنسان»: انسان فرود آمد / «فهم»: فهمید / «أن القمر»: که ماه / «لیس الا کوکبا همدأ»: جز ستاره‌ای سرد و خاموش نیست / «لا أکرّ فیه للماء ولا للحیاه»: که هیچ اثری از آب و زندگی در آن نمی‌باشد.

۱۴۰ ☆ گزینه ۳ «تلاش کرده‌اند» ماضی نقلی است، زیرا «قد» همراه با ماضی به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود، هم‌چنین «رازها» جمع است (أسرار) و «بیچیده» صفت آن است که باید به صورت مؤنث بیاید (الفامضة).

۱۴۱ ☆ گزینه ۴ «این درختان»: هذه الأشجار (با توجه به این‌که «الأشجار» جمع غیر انسان است اسم اشاره به صورت مفرد مؤنث می‌آید) / «سرسبز هستند»: خضراء (غیر منصرف) / «در طول سال»: طول السنة

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «تقدّم» صحیح است و «بسیار» (کثیراً) تعریب نشده است.

گزینه‌ی ۲: «کفّان» (مبتدای مؤخر و مرفوع) و «خشتنان» (صفت و مرفوع) صحیح‌اند.

گزینه‌ی ۳: «عمل لا یجبه» صحیح است (مرجع ضمیر (عمل) مفرد مذکر است).

۱۴۲ ☆ گزینه ۴ «أوج»: نیازمندتر (اسم تفضیل) / «إلی الإرادة القویة الّتی»: به اراده‌ی نیرومند که / «تحلّل»: بگشاید (فعل مضارع) / «کل عقدة»: هر گره‌ی را / «تیسر»: آسان کند (فعل مضارع) / «کل عُسر»: هر دشواری‌ای را

۱۴۳ ☆ گزینه ۱ «رأث»: دید / «أمّ الأطفال»: مادر کودکان / «محرقة»: سوزان / «فترکتها»: پس آن را ترک کرد (رها کرد) / «رجعت»: برگشت / «إلی بیتها»: به سوی خانه‌اش / «نادمة»: با پشیمانی

۱۴۴ ☆ گزینه ۱ «لا تهجرين التوم»: خواب را رها نمی کنی / «لا تُقْصِرِينَ»: کوتاه نمی کنی / «أمانك»: آرزوهایت / «حتی تفوزی»: تا موفق شوی

۱۴۵ ☆ گزینه ۲ صورت صحیح ترجمه: «انسان زندگی خویش را به زیباترین زیوری آراسته است آن گاه که کارهای نیک را انجام داده است!»

«قد زین: آراسته است» ماضی نقلی، متعدی و معلوم از باب تفعیل است که «الإنسان» فاعل و «حياة» مفعول به آن هستند.

۱۴۶ ☆ گزینه ۱ «حاضران»: الحاضرون / «تعجب کردند»: تعجب (در این جا) / «وقتی»: عندما / «یکی از دانش آموزان»: أحد التلاميذ (الطلاب) / «دوستش»: صديقه / «مسخره کرد»:

إستهزى، سَخِرَ مِنْ

۱۴۷ ☆ گزینه ۲ با توجه به این که «کوشا، نقش خبر را در جمله دارد، لذا باید به صورت نکره به کار رود و صورت صحیح آن: «هذان الطالبان، مجتهدان في أداء وظائفهما» است.

۱۴۸ ☆ گزینه ۱ «ما كان تلميذاً يُقبل»: دانش آموزی پذیرفته نمی شد (ماضی استمراری منفی و مجهول) / «إلّا بشروط»: مگر با شرطهایی / «عدم المحاكاه»: تقلید نکردن / «الأمو

العلمية»: امور علمی، کارهای علمی

۱۴۹ ☆ گزینه ۴ «أشعة القمر»: پرتوهای ماه «أشعة» جمع است. / «التي ظهرت»: که ظاهر شد «التي» صفت برای «أشعة» / «جعلت السماء منظراً»: آسمان را صحنه ای قرار داد (خبر

برای «أشعة») / «يخلب القلوب»: دلها را می ربود «يخلب» ماضی استمراری

۱۵۰ ☆ گزینه ۴ «لا تخاف»: نمی ترسند (در این جا) / «تهديدات»: تهدیدها

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: «ترجمه ی درست: «بچه های گنجشک از لانه شان خارج نشدند.»

گزینه ۲: «ترجمه ی درست: «تا این که مادرشان با غذا از صحرا برگشت.»

گزینه ۳: «ترجمه ی درست: «گنجشک های کوچک مانند مادرشان اعتماد به نفس دارند.»

# پاسخنامه کلیدی

۱ ☆ ۲	۳۱ ☆ ۲	۶۱ ☆ ۱	۹۱ ☆ ۱	۱۲۱ ☆ ۱
۲ ☆ ۱	۳۲ ☆ ۱	۶۲ ☆ ۴	۹۲ ☆ ۱	۱۲۲ ☆ ۳
۳ ☆ ۴	۳۳ ☆ ۲	۶۳ ☆ ۲	۹۳ ☆ ۲	۱۲۳ ☆ ۱
۴ ☆ ۱	۳۴ ☆ ۴	۶۴ ☆ ۲	۹۴ ☆ ۳	۱۲۴ ☆ ۱
۵ ☆ ۲	۳۵ ☆ ۴	۶۵ ☆ ۲	۹۵ ☆ ۳	۱۲۵ ☆ ۲
۶ ☆ ۱	۳۶ ☆ ۳	۶۶ ☆ ۱	۹۶ ☆ ۱	۱۲۶ ☆ ۴
۷ ☆ ۲	۳۷ ☆ ۲	۶۷ ☆ ۲	۹۷ ☆ ۴	۱۲۷ ☆ ۴
۸ ☆ ۴	۳۸ ☆ ۴	۶۸ ☆ ۲	۹۸ ☆ ۱	۱۲۸ ☆ ۴
۹ ☆ ۴	۳۹ ☆ ۳	۶۹ ☆ ۳	۹۹ ☆ ۳	۱۲۹ ☆ ۳
۱۰ ☆ ۲	۴۰ ☆ ۲	۷۰ ☆ ۱	۱۰۰ ☆ ۱	۱۳۰ ☆ ۴
۱۱ ☆ ۱	۴۱ ☆ ۴	۷۱ ☆ ۳	۱۰۱ ☆ ۱	۱۳۱ ☆ ۱
۱۲ ☆ ۴	۴۲ ☆ ۳	۷۲ ☆ ۲	۱۰۲ ☆ ۱	۱۳۲ ☆ ۱
۱۳ ☆ ۱	۴۳ ☆ ۱	۷۳ ☆ ۱	۱۰۳ ☆ ۳	۱۳۳ ☆ ۳
۱۴ ☆ ۴	۴۴ ☆ ۱	۷۴ ☆ ۲	۱۰۴ ☆ ۳	۱۳۴ ☆ ۲
۱۵ ☆ ۲	۴۵ ☆ ۱	۷۵ ☆ ۲	۱۰۵ ☆ ۱	۱۳۵ ☆ ۲
۱۶ ☆ ۱	۴۶ ☆ ۴	۷۶ ☆ ۴	۱۰۶ ☆ ۳	۱۳۶ ☆ ۳
۱۷ ☆ ۳	۴۷ ☆ ۱	۷۷ ☆ ۲	۱۰۷ ☆ ۱	۱۳۷ ☆ ۲
۱۸ ☆ ۴	۴۸ ☆ ۴	۷۸ ☆ ۱	۱۰۸ ☆ ۱	۱۳۸ ☆ ۳
۱۹ ☆ ۴	۴۹ ☆ ۴	۷۹ ☆ ۲	۱۰۹ ☆ ۳	۱۳۹ ☆ ۲
۲۰ ☆ ۲	۵۰ ☆ ۴	۸۰ ☆ ۳	۱۱۰ ☆ ۲	۱۴۰ ☆ ۳
۲۱ ☆ ۴	۵۱ ☆ ۴	۸۱ ☆ ۲	۱۱۱ ☆ ۲	۱۴۱ ☆ ۴
۲۲ ☆ ۳	۵۲ ☆ ۲	۸۲ ☆ ۳	۱۱۲ ☆ ۱	۱۴۲ ☆ ۴
۲۳ ☆ ۱	۵۳ ☆ ۱	۸۳ ☆ ۴	۱۱۳ ☆ ۴	۱۴۳ ☆ ۱
۲۴ ☆ ۲	۵۴ ☆ ۳	۸۴ ☆ ۳	۱۱۴ ☆ ۱	۱۴۴ ☆ ۱
۲۵ ☆ ۱	۵۵ ☆ ۱	۸۵ ☆ ۴	۱۱۵ ☆ ۴	۱۴۵ ☆ ۲
۲۶ ☆ ۴	۵۶ ☆ ۳	۸۶ ☆ ۴	۱۱۶ ☆ ۲	۱۴۶ ☆ ۱
۲۷ ☆ ۱	۵۷ ☆ ۴	۸۷ ☆ ۴	۱۱۷ ☆ ۱	۱۴۷ ☆ ۲
۲۸ ☆ ۱	۵۸ ☆ ۲	۸۸ ☆ ۱	۱۱۸ ☆ ۳	۱۴۸ ☆ ۱
۲۹ ☆ ۳	۵۹ ☆ ۴	۸۹ ☆ ۴	۱۱۹ ☆ ۲	۱۴۹ ☆ ۴
۳۰ ☆ ۲	۶۰ ☆ ۱	۹۰ ☆ ۴	۱۲۰ ☆ ۴	۱۵۰ ☆ ۴